



مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان آذربایجان شرقی:

کتاب محور اصلاح و بازاجتماعی‌سازی
زندانیان استان است

در صفحه ۴

شنبه ۶ دی ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم ۳۴۷۱ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

بودجه ۱۴۰۵ و شکاف عمیق میان تورم و معیشت

طرح نو؛ سردبیر

سردبیر: ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ به مجلس شورای اسلامی، در شرایطی که فضای اقتصادی کشور همچنان تحت تأثیر تلاطم‌های ارزی و فشارهای تورمی مزمّن قرار دارد، بیش از آنکه پیامی از ثبات و برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه مخابره کند، نشان‌دهنده گسستی عمیق میان محاسبات روی کاغذ و واقعیت‌های عریان سفره مردم است. بند مربوط به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت، در حالی که شاخص‌های رسمی و غیررسمی تورم در سال جاری اعداد بالای ۴۰ درصد را نشان می‌دهند، نه تنها یک ناترازی مالی، بلکه یک زلزله معیشتی برای طبقه متوسط و حقوق‌بگیر محسوب می‌شود. برای درک عمق این شکاف، باید به این نکته نگریست که بودجه سالانه در حقیقت سند میثاق ملی میان دولت و ملت است؛ سندی که باید عدالت توزیعی را تضمین کند، اما در شکل فعلی، به ابزاری برای انتقال هزینه‌های ناشی از کسری بودجه و ناکارآمدی‌های ساختاری به دوش مصرف‌کننده نهایی تبدیل شده ...

گزارش

۲

طرح نو بررسی می‌کند:

انرژی، اسم رمز آغاز جنگ جهانی سوم

طرح نو؛ سردبیر

جهان امروز نه در آستانه یک تحول، بلکه در میانه یک دگرگونی بنیادین و بی‌رحمانه قرار دارد که بسیاری از تحلیلگران از آن به عنوان «مقدمات ورود به جنگ جهانی سوم» یاد می‌کنند. اگر در سده‌های گذشته، وسعت خاک و توان زرهی تعیین‌کننده پیروز میدان بود، در قرن بیست و یکم، «رگ‌های انرژی» و «شاهراه‌های انتقال سوخت» هستند که جبهه‌های نبرد را ترسیم می‌کنند. لایه‌های پنهان سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که ما از مرحله رقابت اقتصادی عبور کرده و به فاز «جنگ تمام‌عیار انرژی» وارد شده‌ایم؛ جنگی که در آن غرب، به رهبری ایالات متحده، از انرژی نه به عنوان یک کالا، بلکه به عنوان یک سلاح کشتار جمعی برای فلج کردن رقیب و به زانو درآوردن کشورهای صاحب منابع استفاده می‌کند. در حالی که در داخل کشور، برخی کوتوله‌های سیاسی درگیر منازعات بی‌حاصل قومی و جناحی هستند و در سطح «عشیره‌های سیاسی» برای سهم‌خواهی از قدرت دست و پا می‌زنند، در جغرافیای سیاسی جهان، نقشه‌ها در حال بازترسیم هستند و امنیت ملی کشورها به مویی بند شده است که تنها با درک درست از این نبرد بزرگ قابل گره‌گشایی است.

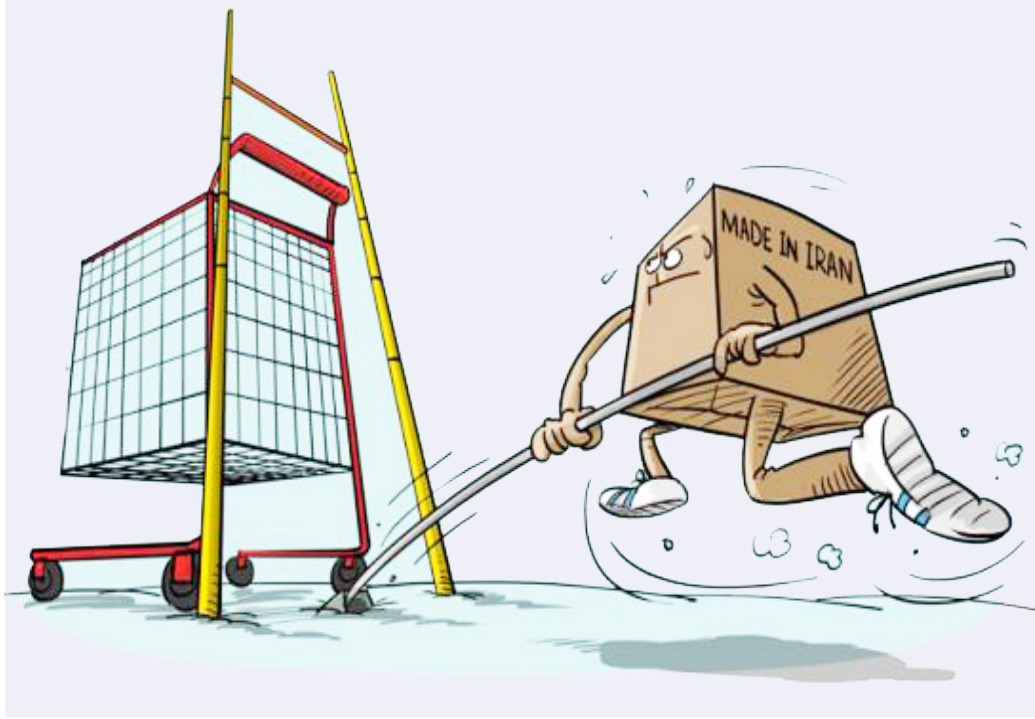
استراتژی «زمین سوخته» در بازار نفت و گاز

آنچه امروز تحت عنوان تحریم‌های فلج‌کننده علیه غول‌های نفتی روسیه و محاصره انرژی ایران و یا مصادره نفتکش‌های غول پیکر ونزویلا مشاهده می‌کنیم، تضادف یا واکنش‌های مقطعی به بحران‌های سیاسی نیست. این یک استراتژی منسجم و ده‌ساله است که غرب برای «بازپس‌گیری حاکمیت مطلق بر بازار انرژی» تدوین کرده است. پس از دهه‌ها که اوپک و تولیدکنندگان بزرگ شرق توانسته بودند...

واکاوی بحران مقبولیت کالای ایرانی

از چالش کیفیت تا گسست فرهنگی

در صفحه ۶



سیاست

۲

واکاوی سفر اردوغان به ایران

تغییر آرایش جنگی در شرق مدیترانه، پای اردوغان را به ایران کشاند؟!

ورزش

۳

حکم یک طرفه بر علیه تراکتور؛ زخمی بر پیکر عدالت در فوتبال ایران

ربع رشیدی، اولین دانشگاه جهان با بیش از ۷۰۰ سال قدمت



قدیمی‌ترین شهرک دانشگاهی دنیا زمانی که اروپا در تاریکی و جهل به سر می‌برد، شهر ربع رشیدی در تبریز بود که به عنوان نخستین شهرک دانشگاهی فعالیت می‌کرد

شش‌هزار دانشجوی خارجی از سراسر جهان، ایران را برای تحصیل انتخاب و با زبان‌های مختلفی چون عربی، ترکی، سانسکریت، یونانی و چینی در این دانشگاه درس می‌خواندند

ساخت ربع رشیدی از نظر معماری مانند شهری کوچک بوده که مدرسه، مسجد، کتابخانه، مهمانسرا حمام، دارالایتام، بیمارستان و... داشته است. خواجه رشیدالدین برای تأمین هزینه‌های ربع رشیدی املاک بسیاری را در نقاط مختلف اعم از ایران، افغانستان گرجستان و... وقف ربع رشیدی کرد

اوحدی مراغه‌ای در «جام‌جم» در توصیف عمارت ربع رشیدی گفته است:

ای همایون بنای فرخنده
طاق کسری ز دفترت کسری است
خاکت از مشک و سنگت از مرمر
چون ز سرخاب روی شاهد سنگ
که شد از رونقت طرب زنده
هشت جنت ز گلشنت قصری است
بادت از خلد و آبت از کوثر
داده سرخاب را جمال تورنگ



کاری از گروه فرهنگ و ادب: شیوا صفری

طرح نو بررسی می‌کند:

انرژی، اسم رمز آغاز جنگ جهانی سوم



«کوتوله‌های سیاسی» که افق دیدشان از مرزهای قومی و جناحی فراتر نمی‌رود، در حال هدر دادن سرمایه‌های ملی در چاه ویل منازعات پوچ هستند. آن‌ها متوجه نیستند که وقتی جهان در آستانه یک تحول عظیم و بازتعریف قدرت قرار دارد، بازی‌های قومی در بستر هویت‌خواهی و جناحی در بستر سهم‌خواهی برای کسب چند کرسی مدیریتی یا حذف رقیب داخلی، بازی در زمین دشمن است. غفلت از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی، ناتوانی در نوسازی ناوگان صادراتی و عدم درک ضرورت تشکیل اتحادیه‌ای استراتژیک انرژی با قدرت‌های نوظهور، کشور را در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. کسانی که هنوز گمان می‌کنند می‌توان با ادبیات قرن گذشته و منطق قبیله‌ای در جهان «گرگ‌های انرژی» دوام آورد، یا جاهل اند یا مأمور به ایجاد بی‌حسی در بدنه مدیریتی کشور.

فهم این موضوع که «انرژی» دیگر یک مسئله اقتصادی صرف نیست و به قلب تپنده امنیت ملی تبدیل شده، کلید گره‌گشایی از بحران‌های پیش روست. غرب می‌خواهد با محاصره انرژی، جلوی ظهور هر ققط قدرت جدیدی را بگیرد. اگر ما نتوانیم از لاک دفاعی خارج شده و با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز خود، به عنوان یک بازیگر فعال در «هاب انرژی منطقه» نقش‌آفرینی کنیم، در میان چرخ‌دنده‌های جنگ جهانی سوم له خواهیم شد. جهان در حال گذار به نظمی جدید است که در آن، تنها کشورهایی بقا خواهند داشت که بتوانند امنیت انرژی خود و متحدانشان را تضمین کنند!!

در نهایت، باید تاکید کرد که جنگ انرژی، جنگی برای بقاست. تحریم‌های روسیه و فشارهای حداکثری بر ایران، و احتمال حمله به ونزوئلا تنها بخشی از مقدمات یک برخورد بزرگتر جهانی است که هدف آن بازگشت به عصر استعمار نوین، اما این بار با ابزار «شیرهای نفت و گاز» است. غرب با تمام قوا به میدان آمده تا مسیهری‌ای ترازیت را مسدود، تولیدکنندگان مستقل را ورشکسته و قیمت‌ها را به نفع خود مهندسی کند. در این میانه، هرگونه سستی، خطای محاسباتی یا سرگرم شدن به بازی‌های حفر سیاسی داخلی، به معنای از دست رفتن فرصت‌های تاریخی است که شاید هر صد سال یک‌بار تکرار شوند. نخبگان و دلسوزان باید بدانند که زمان برای بحث‌های انتزاعی به پایان رسیده؛ یا باید بخشی از معماری جدید انرژی در جهان باشیم، یا به سوختی برای موتور محرک قدرت‌های بزرگ تبدیل خواهیم شد. بیداری استراتژیک، تنها راه عبور از دالانی است که به جنگ جهانی سوم ختم می‌شود؛ دالانی که در آن انرژی، هم سلاح است و هم جایزه نهایی پیروز میدان!!

محاصره ژئوپلیتیک و سلاح تحریم‌های تکنولوژیک

غرب در طول یک دهه گذشته، علاوه بر تحریم‌های مالی، سیاست «تحریم دسترسی به تکنولوژی‌های بالادستی» را به کار گرفته است. آن‌ها می‌دانند که کشورهای دارای ذخایر عظیم نفت و گاز، بدون دسترسی به قطعات پیشرفته و دانش فنی روز، در میان‌مدت با افت شدید تولید مواجه شده و عملاً از بازار حذف می‌شوند. این همان بلایی است که قصد دارند بر سر ایران، روسیه و ونزوئلا بیاورند. با محدود کردن سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های نفتی این کشورها، غرب نه تنها به دنبال خشکانیدن منابع درآمدی آن‌هاست، بلکه می‌خواهد ظرفیت تولید را به شکلی تخریب کند که بازگشت این کشورها به بازار جهانی در آینده، مستلزم سال‌ها بازسازی و باج‌دهی سیاسی باشد. این فرآیند، بخشی از پازل بزرگ‌تر کنترل مسیرهای انرژی است. از نبرد در دریای مدیترانه شرقی بر سر میدان‌ی گازی گرفته تا تلاش برای تسلط بر تنگه‌ها و کریدورهای انتقال انرژی در آسیای میانه و خلیج فارس، همگی قطعات یک نقشه واحد هستند. و آن چیزی نیست جز محاصره‌ی تولیدکنندگان سرکش!

گذار به جنگ جهانی سوم؛ از اوکراین تا تایوان

بحران اوکراین را نباید صرفاً یک درگیری مرزی دانست؛ این نخستین جرقه جلدی در انبار باروت جنگ جهانی انرژی بود. روسیه با درک خطر محاصره، تلاش کرد تا حیاط خلوت خود را حفظ کند، اما غرب با استفاده از این فرصت، تمام ابزارهای اقتصادی خود را برای یک «اعدام اقتصادی» به میدان آورد. در سوی دیگر، چین به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده انرژی جهان، به خوبی می‌داند که هدف بعدی این جنگ است. اگر غرب موفق شود روسیه را از بازار انرژی حذف یا تحت کنترل بگیرد، چین به طور کامل در برابر فشارهای انرژی غرب خلع سلاح خواهد شد. اینجاست که پیوند میان روسیه، چین و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، به کابوس راهبردی غرب تبدیل می‌شود. آن‌ها به دنبال شکستن این زنجیره هستند تا مانع از شکل‌گیری یک بلوک قدرتمند شرقی شوند که خارج از مدار دلار و انرژی غربی تنفس می‌کند. ورو جهان به فاز نظامی در نقاط مختلف، در واقع پوششی برای تثبیت دستاوردهای این جنگ اقتصادی است.

غفلت کوتوله‌های سیاسی در میانه طوفان

اما در حالی که نقشه جغرافیای انرژی جهان با خون و آتش در حال بازنویسی است، تماشای صحنه سیاسی داخلی در برخی کشورهای کلیدی از جمله ایران، گزنده و تلخ است.

طرح نو؛ سردبیر جهان امروز نه در آستانه یک تحول، بلکه در میانه یک دگرگونی بنیادین و بی‌رحمانه قرار دارد که بسیاری از تحلیلگران از آن به عنوان «مقدمات ورود به جنگ جهانی سوم» یاد می‌کنند. اگر در سده‌های گذشته، وسعت خاک و توان زرهی تعیین‌کننده پیروز میدان بود، در قرن بیست و یکم، «رگ‌های انرژی» و «شاهراه‌های انتقال سوخت» هستند که جبهه‌های نبرد را ترسیم می‌کنند. لایه‌های پنهان سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که ما از مرحله رقابت اقتصادی عبور کرده و به فاز «جنگ تمام‌عیار انرژی» وارد شده‌ایم؛ جنگی که در آن غرب، به رهبری ایالات متحده، از انرژی نه به عنوان یک کالا، بلکه به عنوان یک سلاح کشتار جمعی برای فلج کردن رقیبا و به زانو درآوردن کشورهای صاحب منابع استفاده می‌کند. در حالی که در داخل کشور، برخی کوتوله‌های سیاسی درگیر منازعات بی‌حاصل قومی و جناحی هستند و در سطح «عشیره‌های سیاسی» برای سهم‌خواهی از قدرت دست و پا می‌زنند، در جغرافیای سیاسی جهان، نقشه‌ها در حال بازترسیم هستند و امنیت ملی کشورها به مویی بند شده است که تنها با درک درست از این نبرد بزرگ قابل گره‌گشایی است.

استراتژی «زمین سوخته» در بازار نفت و گاز

آنچه امروز تحت عنوان تحریم‌های فلج‌کننده علیه غول‌های نفتی روسیه و محاصره انرژی ایران و با مسدوده نفتکش‌های غول پیکر ونزوئلا مشاهده می‌کنیم، تصادف یا واکنش‌های مقطعی به بحران‌های سیاسی نیست. این یک استراتژی منسجم و دسه‌اله است که غرب برای «بازپس‌گیری حاکمیت مطلق بر بازار انرژی» تدوین کرده است. پس از دهه‌ها که اوپک و تولیدکنندگان بزرگ شرق توانسته بودند توازن قوا را به نفع خود تغییر دهند، غرب با محوریت واشینگتن به این نتیجه رسید که بقای هژمونی دلار و سیادت سیاسی‌اش، مستلزم کنترل مستقیم بر مبادی تولید و مسیرهای ترانزیت است. تحریم شرکت‌های بزرگی نظیر «روس‌نفت» و «گازپروم» که ستون‌های پایداری انرژی جهان و تنظیم‌گران قیمت نفت و گاز در بازارهای بین‌المللی هستند، با هدف حذف رقبای قدرتمند و جایگزینی آن‌ها با انرژی‌های گران‌قیمت تولیدی غرب (مانند گاز آل‌ان‌جی آمریکا) صورت می‌گیرد. غرب به دنبال آن است که با خارج کردن این بازیگران بزرگ از چرخه رسمی تجارت، قیمت‌گذاری را از چنگ تولیدکنندگان خارج کرده و به دست مصرف‌کنندگان بزرگ غربی بپسارد.

این سیاست «انحصارگری تهاجمی» به معنای آن است که هر کشوری که بخواهد خارج از چتر سیاسی غرب به توسعه اقتصادی بپردازد، با سد استوار تحریم انرژی و تکنولوژی مواجه شود. تحریم روسیه عملاً به معنای قطع کردن یکی از دو شریان اصلی حیات اقتصادی اروپا و آسیا بود؛ حرکتی انتحاری که غرب برای ضربه زدن به پایداری روسیه به قیمت تحت فشار قرار دادن مردم خود انجام داد تا نشان دهد در جنگ جهانی جدید، «هزینه‌های انسانی» دیگر محدودیتی برای اتاق‌های فکر جنگ‌طلب ایجاد نمی‌کند. هدف غایی، ایجاد یک «دیکتاتوری انرژی» است که در آن دسترسی به سوخت، نه بر اساس نیاز بازار، بلکه بر اساس میزان وفاداری سیاسی کشورها به بلوک غرب تقسیم‌بندی شود.

سرمقاله

بودجه ۱۴۰۵ و شکاف عمیق میان تورم و معیشت

معلمان، کادر درمان و نیروهای نظامی و انتظامی، ستون‌های اصلی بوروکراسی و ثبات یک کشور هستند. وقتی دستمزد این قشر به شکلی سیستماتیک از تورم عقب می‌ماند، انگیزه برای ارائه خدمات باکیفیت به شدت سقوط می‌کند. این مسئله به نوبه خود راه را برای بروز ناهنجاری‌هایی نظیر چندشغلی شدن، فرسودگی شغلی و حتی گسترش فساد اداری باز می‌کند؛ چرا که وقتی دخل و خرج یک کارمند با هم نخوانند، او ناخودآگاه برای تأمین معاش خانواده به سمت راه‌های غیررسمی سوق داده می‌شود. از سوی دیگر، این بودجه سیگنالی مخرب به بخش خصوصی و شورای عالی کار ارسال می‌کند. اگر دولت به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور، تنها ۲۰ درصد افزایش را به رسمیت بشناسد، بخش خصوصی نیز به تبعیت از آن، حقوق کارگران را در سطحی پایین نگه می‌دارد و این یعنی فقر مطلق به بخش‌های وسیع‌تری از جامعه سرایت خواهد کرد.

انتظار جامعه از مجلس شورای اسلامی در این مقطع حساس، فراتر از یک چانه‌زنی ساده بر سر چند درصد اضافه حقوق است؛ مجلس باید به عنوان ناظر بر اجرای عدالت، دولت را موظف کند که ناترازی‌های بودجه را از طریق اصلاح ساختارهای مالیاتی، حذف ردیف‌های موازی و کاهش هزینه‌های غیرضروری جبران کند، نه از طریق دست بردن در جیب کارمندانی که سال‌هاست زیر بار تورم کمر خم کرده‌اند.

در نهایت، باید هشدار داد که ادامه این روند، طبقه متوسط را که موتور محرک توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور است، به زیر خط فقر پرتاب خواهد کرد. کوچک شدن طبقه متوسط به معنای از بین رفتن توازن اجتماعی و افزایش تنش‌های ناشی از شکاف طبقاتی است. اگر لایحه بودجه ۱۴۰۵ بدون تغییر در بخش حقوق و دستمزد به تصویب برسد، سال آینده شاهد سالی خواهیم بود که در آن نه تنها رونق اقتصادی محقق نخواهد شد، بلکه رکود حاکم بر بازارها به دلیل نبود قدرت خرید، گریبان‌گیر تمامی بخش‌های صنعتی و خدماتی خواهد شد.

دولت باید بپذیرد که ثبات اقتصادی از مسیر رضایتمندی معیشتی می‌گذرد و هرگونه تلاشی برای نمایش انضباط مالی به قیمت گرسنگی و فقر حقوق‌بگیران، پایدار نخواهد بود.

نمایندگان ملت در بهارستان اکنون در برابر آزمونی بزرگ قرار دارند. تا نشان دهند آیا صدای لرزان سفره‌های کوچک شده را می‌شنوند یا تسلیم آمارهای غیرواقعی و محاسبات تک‌بعدی سازمان برنامه و بودجه خواهند شد. بازنگری در نرخ افزایش حقوق و متناسب‌سازی آن با واقعیت‌های اقتصادی، کمترین کاری است که می‌تواند اعتماد عمومی را ترمیم کرده و از فروپاشی تقاضا در اقتصاد ملی جلوگیری کند، چرا که اقتصاد بدون انسان و بدون قدرت خرید، کالبدی بی‌جان است که هیچ بخشنامه و لایحه‌ای نمی‌تواند به آن روح بدمد.

طرح نو؛ سردبیر سر‌دبیر؛ ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ به مجلس شورای اسلامی، در شرایطی که فضای اقتصادی کشور همچنان تحت تأثیر تلاطم‌های ارزی و فشارهای تورمی مزمن قرار دارد، بیش از آنکه پیامی از ثبات و برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه مخابره کند، نشان‌دهنده گسستی عمیق میان محاسبات روی کاغذ و واقعیت‌های عریان سفره مردم است. بند مربوط به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت، در حالی که شاخص‌های رسمی و غیررسمی تورم در سال جاری اعداد بالای ۴۰ درصد را نشان می‌دهند، نه تنها یک ناترازی مالی، بلکه یک زلزله معیشتی برای طبقه متوسط و حقوق‌بگیر محسوب می‌شود. برای درک عمق این شکاف، باید به این نکته نگریست که بودجه سالانه در حقیقت سند میثاق ملی میان دولت و ملت است؛ سندی که باید عدالت توزیعی را تضمین کند، اما در شکل فعلی، به ابزاری برای انتقال هزینه‌های ناشی از کسری بودجه و ناکارآمدی‌های ساختاری به دوش مصرف‌کننده نهایی تبدیل شده است. وقتی تورم با نرخی دو برابر افزایش دستمزدها حرکت می‌کند، دولت عملاً بخشی از دارایی و قدرت خرید شهروندان خود را به نفع تراز کردن دفاتر مالی خود معضاره کرده است. این رویکرد اقتیاضی در بخش معیشت، در حالی اتخاذ می‌شود که هزینه‌های جاری و غیرضروری در بخش‌های دیگر بودجه همچنان با نرخ‌های بالایی رشد می‌کنند و این پرسش کلیدی را در ذهن افکار عمومی ایجاد می‌کند که چرا همواره دیواری کوتاه‌تر از حقوق کارمندان و کارگران برای صرفه‌جویی وجود ندارد؟!

از منظر اقتصاد کلان، استدلال دولت‌ها برای پایین نگه داشتن سقف افزایش حقوق، معمولاً جلودگیری از رشد نقدینگی و مهار ماریج تورم-دستمزد است. اما این استدلال در اقتصادی که تورم آن بیش از آنکه ناشی از تقاضا باشد، معلول شوک‌های هزینه‌ای، ناترازی بانک‌ها و کسری بودجه مزمن است، به بیراهه می‌رود. محروم کردن کارمندان از حقوق حق‌ه خود برای جبران تورم، نه تنها منجر به مهار تورم نمی‌شود، بلکه باعث بروز پدیده «رکود تورمی» عمیق‌تری خواهد شد. وقتی قدرت خرید بیش از نیمی از جمعیت فعال کشور که مستقیماً یا غیرمستقیم تحت تأثیر بودجه هستند، کاهش می‌یابد، اولین قربانی، تقاضای کل در بازار داخلی است. کاهش تقاضا به معنای رکود در بخش تولید، انباشت کالا در انبارها و در نهایت ورشکستگی واحدهای کوچک و متوسطی است که به امید بازار داخلی فعالیت می‌کنند. بدین ترتیب، سیاست اقتیاضی دولت در بخش دستمزد، مانند یک بومرنگ عمل کرده و با ضربه زدن به بخش تولید، درآمد مالیاتی خود دولت را در بلندمدت کاهش داده و چرخه‌های اقتصادی را به گل می‌نشانند. در واقع، دولت با این تصمیم، تیشه به ریشه همان رشدی می‌زند که در جای‌جای سند بودجه از آن سخن گفته است.

فراتر از ابعاد اقتصادی، پیامدهای اجتماعی این تصمیم نیز به همان اندازه نگران‌کننده است. کارمندان دولت،

سر مقاله

واکاوی سفر اردوغان به ایران

تغییر آرایش جنگی در شرق مدیترانه، پای اردوغان را به ایران کشاند؟!



معنادار به ائتلاف‌های نوظهوری است که موازنه قوا را در مرزهای آبی و خاکی ترکیه تهدید می‌کنند.

این روزها شرق مدیترانه به میدان مین دیپلماسی تبدیل شده است. انعقاد قراردادهای نظامی و امنیتی میان اسرائیل، یونان و قبرس که با حمایت ضمنی برخی قدرت‌های اروپایی همراه است، پیامی آشکار برای

آنکارا دارد. در حالی که آتن و نیکوزیا با حمایت تل‌آویو به دنبال تثبیت قلمرو دریایی و منابع انرژی خود هستند، ترکیه خود را در محاصره‌ای می‌بیند که هدف آن تحدید نفوذ این کشور در «وطن آبی» است. در این میان، تحلیلگران سیاسی از خود می‌پرسند که آیا سفر رجب طیب اردوغان به تهران را باید تلاشی برای یافتن «متحدان استراتژیک در روزهای سخت» دانست؟!

ائتلاف مثلثی (اسرائیل–یونان–قبرس)؛ استراتژی مهار ترکیه

قراردادهای اخیر نظامی که شامل مانورهای مشترک، خرید سامانه‌های پدافندی و همکاری‌های اطلاعاتی میان اسرائیل و بلوک هلنیک (یونان و قبرس) است، فراتر از یک همکاری تجاری-نظامی ساده ارزیابی می‌شود. تل‌آویو با تقویت نظامی یونان، عملاً جبهه دومی را علیه بلندپروازی‌های ترکیه گشوده است. این اقدام نه تنها مسیرهای انتقال انرژی ترکیه را تهدید می‌کند، بلکه برتری هوایی و دریایی آنکارا در مدیترانه را با چالش جدی مواجه می‌سازد. همچنین همکاری در پروژه خط لوله «ایست‌مد» که هدف آن انتقال گاز به اروپا با دور زدن ترکیه است، عمق اقتصادی این محاصره را نشان می‌دهد.

اسرائیل در تسلیح رقبای سنتی ترکیه (یونان)، به سمت ایران متمایل می‌شود تا به غرب و اسرائیل بفهماند که آنکارا گزینه‌های راهبردی دیگری نیز در اختیار دارد. اما این سفر اگرچه می‌تواند به امضای تفاهم‌نامه‌های امنیتی و اقتصادی منجر شود، اما سایه‌ی سنگین رقابت‌های تاریخی همچنان وجود دارد. ایران نسبت به نفوذ ترکیه در قفقاز و دالان‌های ترانزیتی مشکوک است و ترکیه نیز نگران نفوذ منطقه‌ای ایران. با این حال، «تهدید اسرائیل» به عنوان یک متغیر مستقل، پتانسیل این را دارد که این دو قدرت منطقه‌ای را به سمت یک «اتحاد تاکتیکی» سوق دهد.

پیامی برای تل‌آویو و واشینگتن

در پایان باید گفت که سفر رجب طیب اردوغان به تهران، واکنشی مستقیم به تلاش‌ها برای انزوای ترکیه در مدیترانه است. این دیدار به قدرت‌های غربی و اسرائیل یادآوری می‌کند که فشار بر یکی از قطب‌های قدرت در غرب آسیا (ترکیه)، لزوماً منجر به تسلیم آن نمی‌شود، بلکه می‌تواند به تشکیل ائتلاف‌های غیرمنتظره میان قدرت‌های بزرگ منطقه بیانجامد. در دنیای جدید، مرزهای دوستی و دشمنی نه بر اساس ایدئولوژی، بلکه بر پایه «بقای ژئوپلیتیک» ترسیم می‌شوند.

گزارش

بازخوانی صعودهای آسیایی تراکتور؛ «بلند و بلندتر پیر»

طرح‌نو؛ گروه ورزش در ادوار رقابت‌های آسیایی، تراکتور برای چهارمین بار توانست طعم صعود از مرحله گروهی را بچشد و این بار صعودی مقتدرانه را تجربه کرد. به گزارش فوتبال ۳۶۰، شاگردان دراگان اسکوچیچ شب گذشته در ششمین بازی آسیایی‌شان در فصل جدید لیگ نخچگان میزبان الدحیل بودند. با وجود شکست در نیمه نخست بعد از دریافت گل از روی نقطه پنالتی، تراکتوری‌ها در نیمه دوم موفق به ثبت کامیک شدند و پس از آنکه شجاع خلیل‌زاده کار را به تساوی کشاند، امیرحسین حسین‌زاده توانست با یک حرکت انفرادی دیدنی و شوتی زیبا توپ را به تور دروازه الدحیل بدوزد تا کامیک تراکتور تکمیل شود.



تراکتور به حداقل امتیاز برای مسجل کردن صعودش به مرحله حذفی نیاز داشت اما سرخ‌پوشان برنده شدند تا روزهای خوب‌شان در لیگ نخچگان ادامه‌دار باشد؛ به طوری که حالا در پایان هفته ششم مرحله گروهی، ۴ برد و ۲ تساوی در کارنامه شاگردان دراگان اسکوچیچ دیده می‌شود و تراکتور بعد از الهلال که هر ۶ بازی‌اش را برنده شده، با ۱۴ امتیاز در رتبه دوم جدول ۱۲ تیمی منطقه غرب آسیا دیده می‌شود و سرخ‌پوشان حاشیه امن ویژه‌ای برای خود ایجاد کرده‌اند.

النصر دبی و النصر عربستان علیه بلندپروازی‌های آسیایی تراکتور

سرخ‌پوشان در حالی موفق شدند به مرحله حذفی لیگ نخچگان برسند که در فرمت‌های دیگر هم تجربه صعود در آسیا را داشتند. تراکتور در زمان برگزاری لیگ قهرمانان آسیا ۲ بار طعم صعود از مرحله گروهی را چشید؛ اولین بار در لیگ قهرمانان آسیا ۱۶-۲۰۱۵ بود که تراکتوری‌ها موفق شدند از گروه خود صعود کنند اما باخت ۵ بر ۴ مقابل النصر دبی (در مجموع بازی رفت و برگشت) باعث شد تا تراکتور در همان مرحله نخست از گردونه رقابت‌ها کنار برود. در لیگ

تیم برتر سطح دوم بازی‌های آسیایی راه پیدا کردند. در این مرحله، تراکتور مقابل التعاون عربستان در بازی رفت و برگشت به نتیجه تساوی رضایت داد و سرانجام در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ بر ۲ مغلوب شد تا تیم‌ها نتوانند به جمع ۴ تیم برتر لیگ قهرمانان آسیا ۲، در اولین دوره برگزاری این رقابت‌ها با فرمت جدید راه پیدا کنند.

تراکتور این بار مسیری متفاوت را می‌رود؟ شاگردان اسکوچیچ فعلاً با ۱۴ امتیاز در رتبه دوم لیگ نخچگان هستند و اگر برحسب جدول فعلی بخواهیم محاسبه کنیم، تراکتور در مرحله بعدی با شارجه امارات که در رتبه هفتم جدول است، یکبار می‌کند؛ تیمی که به تازگی هدایت آن برعهده ژوزه مورایس قرار گرفته است. الاتحاد عربستان، الدحیل قطر و شباب‌الاهلی امارات دیگر تیم‌هایی هستند که احتمال رویارویی‌شان با تراکتور در مرحله یک‌هشتم نهایی وجود دارد. سرخ‌پوشان در این دوره از رقابت‌ها فرمی خیره‌کننده داشته‌اند و هواداران تراکتور امید دارند که تیم‌شان بتواند در مراحل حذفی هم فرم خوب خود در مرحله گروهی را حفظ کند تا در اوج اقتدار بتواند به مراحل بالاتر برسد. موفقیت تراکتور در لیگ نخچگان نه تنها می‌تواند رزومه آسیایی این تیم را پُررابط کند بلکه می‌تواند در مسیر تقسیم سهمیه آسیایی برای تیم‌های ایرانی در فصول آتی مؤثرتر باشد.

تعاون و آن پنالتی‌های فراموش‌نشده! تراکتور فصل گذشته در لیگ قهرمانان آسیا حضور داشت که سرخ‌پوشان توانستند طلسم عدم صعود از مرحله یک‌هشتم نهایی را بشکنند و به جمع ۸



طرح‌نو؛ یونس نهاری تیم فوتبال مهدیه تبریز که از باشگاه‌های پرسابقه و قدیمی به شمار می‌آید و یکی از باشگاه‌های پرتلاش در امر استعدادیابی و پرورش بازیکنان گمنام و مستعد به حساب می‌آید. حالا با حضور یک مربی تحصیل‌کرده و با دانش روزهای خوش و موفقی را در تیم‌های پایه و حتی بزرگسالان سپری میکند و حید زارع مربی جوان که دارای مدرک مربیگری بی‌کنفدراسیون فوتبال آسیا میباشد و سابقه مربیگری در تیم‌های زیست سبز، فجر نوین، اتحاد، صدرا، داماش تهران، شاهین تهران، شاهین همدانی تبریز، امسال فعالیت فعلی خود را از سرمربی‌گری زیر ۱۸ سال و کمک مربی بزرگسالان مهدیه تبریز با کسب نتایج درخشان و قابل قبول به خوبی طی میکند و حید زارع مربی با اخلاق و متفکر رکورد دار حضور در لیگ ۳ به عنوان مربی سابقه بازی در فوتبال و فوتبال ساحلی استان کاپیتان فوتبال ساحلی دانشگاه استان آذربایجان شرقی و کسب مقام سوم کشوری در بین دانشگاه‌های کشور را هم بدست آورده است و حید زارع مربیگری رو مدیون افتخار فوتبال ایران و تبریز رضا حداد میلاند و امسال با این مربی مهدیه را به بهترین جایگاه رسانده است

یادداشت

حکم یک طرفه بر علیه تراکتور؛ زخمی بر پیکر عدالت در فوتبال ایران

فقط یک تیم داخلی نیست. این باشگاه در بالاترین سطح فوتبال آسیا حضور دارد، مقابل تیم‌های بزرگ و پرهزینه قاره رقابت می‌کند و نتایجی می‌گیرد که مایه افتخار فوتبال کشور است. طبیعی است که عملکرد این تیم، رفتار هوادارانش و مهم‌تر از همه، احکامی که علیه آن صادر می‌شود، نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح آسیا و حتی رسانه‌های بین‌المللی رصد شود. وقتی باشگاهی که تنها نماینده فوتبال ایران در سطح اول آسیاست، با احکامی مواجه می‌شود که شائبه تبعیض و بی‌عدالتی دارد، این پیام به بیرون منتقل می‌شود که عدالت در فوتبال ایران سلیقه‌ای و نابرابر است پیامی خطرناک که می‌تواند به اعتبار کل فوتبال کشور لطمه بزند. تراکتور خواهان قانون‌گریزی نیست و هوادارانش نیز مدافع بی‌اخلاقی نیستند. مطالبه اصلی، چیزی جز عدالت، انصاف و رفتار برابر نیست. امید می‌رود کمیته استیناف، با نگاهی دقیق‌تر، متصفانه‌تر و به دور از فشارهای مرسوم، رای صادر کند که هم حق باشگاه و هوادارانش را رعایت کند و هم شان فوتبال ایران را در نگاه آسیا و جهان حفظ نماید.

حال، همین اتفاق محدود، با شدیدترین نوع برخورد غیر منظره پاسخ داده شد. همین تناقض است که پرسش جدی افکار عمومی را شکل داده است: چرا در سال‌های گذشته، تخلفات مشابه و حتی بدتر، بدون واکنش جدی رها شدند و چرا امروز تراکتور باید نقطه آغاز «برخورد قاطع» معرفی شود؟ پرسشی که بی‌پاسخ ماندن آن، شائبه برخورد گزینشی و عدالت نابرابر را تقویت می‌کند و اعتماد عمومی به ارکان قضایی فوتبال را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد. نادیده گرفتن اصول پذیرفته‌شده انضباطی فیفا، تنها یک مسئله داخلی نیست. تجربه فوتبال جهان نشان داده است که احکام بحث‌برانگیز، تبعیض‌آمیز، می‌تواند اعتبار فدراسیون‌ها را در سطح بین‌المللی زیر سؤال ببرد و حتی نگاه نهادهای بالادستی را متوجه ساختار قضایی فوتبال یک کشور کند. به‌ویژه زمانی که پای یکی از نمایندگان آن کشور در بالاترین سطح رقابت‌های قاره‌ای در میان باشد. نگرانی‌ها فقط ناراحتی هواداران تراکتور یا خالی شدن سکوهای ورزشگاه نیست. نگرانی اصلی، تصویری است که از فوتبال ایران به بیرون مخابره می‌شود. امروز تراکتور

شعارها و توهین‌های قومیتی و نژادپرستانه علیه تراکتور شنیده شده، اما واکنش قاطع و روشنی نسبت به آن‌ها وجود نداشته است. همین بی‌تفاوتی، به تدریج زخمی عمیق در ذهن بخشی از هواداران این تیم ایجاد کرده است. در این میان، نام کریم باقری نیز به‌عنوان یکی از اسطوره‌های فوتبال ایران مطرح می‌شود؛ چهره‌ای که احترام ورزشی او برای جامعه فوتبال غیرقابل انکار است. با این حال، بخشی از دلخوری هواداران تراکتور نه از جایگاه ورزشی او، بلکه از سکوت و عدم واکنش مؤثرش در برابر شعارهای نژادپرستانه‌ای شکل گرفت که طی سال‌های گذشته از سوی برخی هواداران پرسپولیس علیه تراکتور سر داده شد؛ سکوتی که در ذهن بخشی از هواداران، به‌عنوان نادیده گرفتن یک مطالبه اخلاقی و انسانی از همسپهری خود تلقی شد و پس از سال‌ها، در مقطعی محدود و استثنایی خود را نشان داد. آنچه در این دیدار از سوی بخش بسیار محدودی از سکوها رخ داد که هیچ‌کس آن را تأیید نمی‌کند و با فرهنگ عمومی هواداران تراکتور نیز همخوانی ندارد در مقایسه با شعارهای مکرر، سازمان‌یافته و طولانی‌مدتی که پیش‌تر علیه تراکتور و هوادارانش شنیده شده بود، محدود و کم‌دامنه بود. با این

و برخورد برابر با تخلفات مشابه. این اصول در فوتبال حرفه‌ای جهان، چه در اروپا و چه در آسیا، مبنای صدور احکام انضباطی است. حتی در مواردی که تخلفات هواداری گسترده، سازمان‌یافته یا نژادپرستانه رخ داده، معمولاً برخوردها به‌صورت پلکانی، همراه با هشدار، جریمه و اقدامات اصلاحی انجام شده و محرومیت کامل تماشاگران تنها به‌عنوان آخرین راهکار و در شرایط کاملاً استثنایی اعمال می‌شود. در فوتبال ایران نیز مرور ساده احکام سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در مواردی بسیار شدیدتر از فحاشی‌های رکیک و خانوادگی گرفته تا پرتاب اشیاء و شعارهای آشکار نژادپرستانه برخوردهای حداقلی و گاه کاملاً مسالمت‌آمیز صورت گرفته و بعضاً هیچ اثر بازدارنده‌ای بر جای نگذاشته است. با این وجود، در پرونده اخیر، حکمی سنگین، فراگیر و کم‌سابقه علیه باشگاه تراکتور صادر شده؛ حکمی که به گفته سعید مظفری‌زاده، مدیرعامل این باشگاه، یک طرفه و فاقد تناسب با اتفاقات مسابقه است. بخشی از حواشی این دیدار را نمی‌توان جدا از زمینه‌های گذشته تحلیل کرد. سال‌هاست که در برخی مسابقات،

طرح‌نو؛ مهدی شیرازی فر رای اخیر کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در خصوص دیدار تراکتور و پرسپولیس، بیش از آنکه یک تصمیم صرفاً انضباطی تلقی شود، برای بخش گسترده‌ای از افکار عمومی فوتبال ایران به نمادی آشکار از تبعیض و برخورد دوگانه تبدیل شده است رای که واکنش صریح و مستدل مدیرعامل باشگاه تراکتور را به دنبال داشت و احساسات میلیون‌ها هوادار این تیم در تبریز، آذربایجان و سراسر کشور را جریحه‌دار کرد. باشگاه تراکتور امروز فقط یک تیم داخلی نیست. این تیم با حضور موفق در بالاترین سطح فوتبال آسیا، رقابت با تیم‌های متمول عربستانی، اماراتی و قطری و قرار گرفتن در رتبه‌های بالای جدول، به یکی از نمایندگان شایسته فوتبال ایران در قاره کهن تبدیل شده است. با این حال، اکنون باید بهای حکمی را بپردازد که نه با واقعیت‌های رخ داده در زمین و سکوها تناسب دارد و نه با رویه‌ای که در سال‌های گذشته فوتبال ایران شاهد آن بوده است. بر اساس مقررات انضباطی فیفا، دو اصل بنیادین همواره مورد تأکید قرار گرفته است: تناسب میان تخلف و مجازات

گزارش

لیست پُرماجرای تیم امید برای جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا؛

غیبت چهره‌های سرشناس سرخابی



طرح‌نو؛ گروه ورزش لیست تیم امید برای حضور در اردوی آماده‌سازی امارات و سپس جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا در حالی اعلام شده که این فهرست چند غایب سرشناس دارد. تیم امید ایران که تحت هدایت امید روانخواه کار خود را پیش می‌برد، بعد از آنکه توانست مرحله انتخابی جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا را با موفقیت پشت سر بگذارد، حالا خود را برای حضور در این مسابقات آماده می‌کند. مسئولان فدراسیون فوتبال در طول ماه‌های اخیر سعی داشتند تا با فراهم‌آوردن شرایط حضور تیم امید در تورنمنت‌های تدارکاتی، میزان آمادگی این تیم برای شرکت در جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا را به حد مطلوب برسانند. شاگردان روانخواه بعد از حضور در تورنمنت تدارکاتی قرقیزستان و دیدار با تیم امید این کشور در کنار تیم‌های امید روسیه و بحرین، در یک مینی‌کمپ شرکت کردند و حالا قرار است پیش از حضور در جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا هم در اردوی تدارکاتی امارات شرکت کنند. با توجه به اینکه اردو متصل به اعزام است، امید روانخواه امروز (سه‌شنبه) لیست نفرات نهایی مدنظر خود را برای حضور در اردوی امارات و جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا اعلام کرد که این فهرست غایبان سرشناسی دارد.

فرهان جعفری (از ملوان بندرانزلی) و محمد عسکری (از سپاهان اصفهان) هم دیگر بازیکنانی هستند که باید دید در اردوی پیش‌روی تیم امید شرکت می‌کنند یا با تاخیر به جمع ملی‌پوشان در عربستان اضافه خواهند شد.

فهرست تیم امید برای اردوی امارات و مسابقات جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا

دروازه‌بان‌ها: محمد خلیفه (آلومینیوم اراک)، امیر مهدی مقصدی (سپاهان اصفهان) و پوریا رفیعی (سپاهان اصفهان)

مدافعان: دانیال ایری (ملوان انزلی)، محمدمهدی زارع (احمد گروژنی روسیه)، فرزین معامله‌گری (شمس‌آذر قزوین)، مسعود محبی (خیبر خرم‌آباد)، بهرام گودرزی (آلومینیوم اراک)، ارشیا وثوقی‌فرد (فجرسیاسی شیراز)، مهدی مهدوی (آلومینیوم اراک) و عرفان جمشیدی (پیکان تهران)

هافبک‌ها: پوریا لطیفی(فرگل‌گهر سیرجان)، مهدی گودرزی (خیبر خرم‌آباد)، عباس حبیبی (ملوان بندرانزلی)، فرهان جعفری، (ملوان بندرانزلی)، امیرمحمد رزاقی‌نیا (استقلال تهران) و امیررضا شیخی‌راد (نساجی مازندران)

وینگرها: محمدجواد حسین‌نژاد (دینامو مازخاج‌قلعه روسیه)، یادگار رستمی (فجرسیاسی شیراز)، محمدحسین صادقی (پرسپولیس تهران)، حمیدرضا ضرونی (خیبر خرم‌آباد)

مهاجمان: رضا غن‌دی‌پور(الوحده امارات) و محمد عسکری (سپاهان اصفهان)

امید روانخواه در حالی از ۲۳ بازیکن برای حضور در اردوی تیم امید دعوت کرده که نگاهی دقیق‌تر به فهرست بازیکنان دعوت‌شده به اردوی تیم امید نشان می‌دهد که چهره‌های سرشناسی در جمع نفرات منتخب روانخواه حضور ندارند؛ از جمله سعید سرخ‌خیزان، مهاجم اول تیم استقلال، در کنار سحرخیزان که سرشناس‌ترین غایب لیست جدید تیم امید محسوب می‌شود، باید به غیبت اسماعیل قلی‌زاده، یعقوب براجعه، سهیل صحراپی، آرشا شکوری و عباس کهریزی به عنوان دیگر غایبان سرشناس تیم اشاره داشت.

رزاقی‌نیا دیدار با گل‌گهر و سپاهان را از دست داد؟

اردوی تیم امید قرار است از هفتم دی‌ماه در دبی آغاز شود و در فهرست تیم امید چهره‌های شاخصی حضور دارند که در لیگ برتر فعال هستند. اتفاق مهم آنکه به جز نبرد استقلال - گل‌گهر، سایر دیدارهای هفته پانزدهم و پایانی نیم‌فصل نخست قبل از هفتم دی‌ماه برگزار می‌شود. بعد از این تاریخ، نه تنها دیدار استقلال - گل‌گهر به انجام می‌رسد، بلکه ۲ دیدار معوقه تراکتور - ملوان و سپاهان - استقلال هم برگزار می‌شود. در فهرست تیم امید، امیرمحمد رزاقی‌نیا حضور دارد که شرایط حضور این بازیکن برای شرکت در جمع شاگردان امید روانخواه نامشخص است. دانیال ایری، عباس حبیبی و

نبرد با چین و عربستان پیش از شروع جام ملت‌ها

امیدهای ایران برای براساس برنامه‌ریزی انجام شده قرار است از ۶ تا ۲۴ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۶ دی تا ۴ بهمن ۱۴۰۴) در ۲ شهر جده و ریاض در هفتمین دوره جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا شرکت کنند. پیش از شروع این تورنمنت، امیدهای ایران در اردویی ۶ روزه به

سحرخیزان، سرشناس‌ترین غایب لیست تیم امید

سلامی چو بوی خوش آشنایی



سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم، دیده روشنایی
دردوی چو نور دل پارسایان
بدان شمع خلوتگه پارسایی
نمی‌بینم از همدان هیچ بر جای
دلیم خون شد از غصه، ساقی کجایی؟
ز کوی مغان رخ مگردان که آن جا
فروشنند مفتاح مشکل‌گشایی
عروس جهان گرچه در حدس حسن است
ز حد می‌برد شیوه بی‌وفایی
دل خسته من گرش همتی هست
نخواهد ز سنگین‌دلان، مومیایی
می‌صوفی‌افکن، کجا می‌فروشند؟
که در تایم از دست زهد ریایی
رفیقان چنان عهد صحبت شکستند
که گویی نبوده‌ست خود، آشنایی
مرا گر تو بگذاری ای نفس طامع
بسی پادشایی کنم در گدایی
بیاموزمت کیمیای سعادت
ز هم‌صحبت بد، جدایی، جدایی
مکن حافظ از جور دوران، شکایت
چه دانی تو ای بنده! کار خدایی؟
«حافظ»

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان آذربایجان شرقی:

کتاب محور اصلاح و بازاجتماعی‌سازی زندانیان استان است



و آماده‌سازی مددجویان برای بازگشت مسئولانه به جامعه است.
در ادامه این نشست، علی استادی، مدیرکل زندان‌های آذربایجان شرقی، ضمن استقبال از رویکرد فرهنگی کتابخانه‌های عمومی، بر ضرورت تجهیز کتابخانه‌های زندان‌های استان با کتاب‌های هدف‌دار و متناسب با نیازهای فکری، اخلاقی و مهارتی مددجویان تأکید کرد.
وی افزود: انتخاب آگاهانه کتاب‌ها بر اساس نیازهای اطلاعاتی و علایق زندانیان، می‌تواند در تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اصلاح رفتار آنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.
در پایان این دیدار، دو طرف بر گسترش تعاملات مشترک، طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی هدفمند و استفاده حداکثری از ظرفیت کتابخانه‌های عمومی برای ارتقای سطح فرهنگی و آموزشی مددجویان زندان‌های استان تأکید کردند

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
مدیرکل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان شرقی با تأکید بر نقش کتاب در اصلاح و بازاجتماعی‌سازی زندانیان، گفت: ترویج مطالعه در زندان‌ها زمینه‌ساز تغییر نگرش و بازگشت سالم مددجویان به جامعه است.
اسد بابایی در دیدار با علی استادی، مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان، بر اهمیت بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت کتاب و برنامه‌های فرهنگی در مسیر اصلاح، تربیت و بازاجتماعی‌سازی زندانیان تأکید کرد.
وی با اشاره به رسالت فرهنگی کتابخانه‌های عمومی اظهار داشت: کتاب می‌تواند به‌عنوان ابزاری اثرگذار، نقش مهمی در تغییر نگرش، ارتقای سطح آگاهی و بهبود سبک زندگی زندانیان ایفا کند. به گفته بابایی، توسعه فرهنگ مطالعه در مراکز اصلاحی و تربیتی، گامی مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی

کتاب «تب ناتمام» به زبان روسی ترجمه شد

که از زمین تا آسمان با بقیه فرق داشتند. دیربستان را تازه تمام کرده بودم که خبر شهادتش را شنیدم. پیش خود می‌گفتم امروز و فرداست که داستان زندگی‌اش چاپ شود و آن وقت، خودم اولین کسی هستم که کتابش را می‌خرم و یک‌نفس می‌خوانم.
هفته سال منتظر ماندم و خبری نشد. هفته سال به امید نشستم و اتفاقی نیفتاد. بعد از آن همه سال، تنها یک مجموعه خاطره از شهید دخانچی چاپ شده بود و خیلی از سوالات من هنوز جوابی نداشت. باید خودم کاری می‌کردم؛ اما می‌توانستم؟ دودل بودم. نمی‌دانستم از پس برداشتن آن بار برمی‌آیم یا نه. گوشی را که برداشتم، شماره را که گرفتم، صدای مهربان و باطمینان آن طرف گوشی را که شنیدم، دلم قرص شد و اراده‌ام چند برابر؛ و از این‌گونه، داستان دنباله‌دار زندگی‌ام شکل دیگری گرفت. از آن به بعد، من بودم، یک مادر شهید بود و یک زندگی که دوست داشتم تا عمقش بروم، تا ته ماجراهای متفاوت و غیرمنتظره‌اش.»

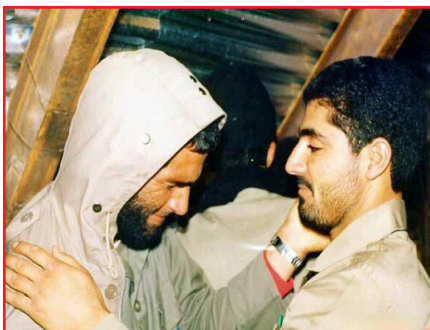
هر جمعه صبح، مشغول جمع و جور کردن خانه. تلویزیون روشن بود و برنامه‌های سیمای استانی قم را نشان می‌داد. در یکی از رت و برگشت‌هایم، چشمم به قاب سیاه و سفید گوشه اتاق افتاد. دوربین، در و دیوارهای خانه‌ای را نشان می‌داد. پایین‌تر که رفتم، به زنی رسید و بعد از او به مردی. مرد روی تخت خوابیده بود، آرام لبخند می‌زد و با حجب و حیا دوربین را نگاه می‌کرد. در آن دیدنش، صدها سؤال در ذهنم ردیف شد که حتی جواب یکی از آنها را هم نمی‌دانستم. آن آدم، با آن شرایط چطور زندگی می‌کرد؟ روز و شبش چگونه سر می‌شد؟ خانواده‌اش چه می‌کردند؟ اصلاً با آن شرایط، چطور می‌توانست آنقدر آرام باشد؛ لبخند بزند و با آرامش دوربین را نگاه کند. هرچه فکر می‌کردم، نمی‌فهمیدم. هرچه در ذهنم، بین تمام کتاب‌هایی که تا آن زمان ورق زده و خوانده بودم، دنبال نوشته‌ای می‌گشتم که زندگی امثال او را به تصویر کشیده باشد، چیزی پیدا نمی‌کردم. روایتی از آدم‌هایی که زندگی‌شان خاص بود و خودشان خاص‌تر؛ همان بازمانده‌های جنگ،

در خلال روایت‌هایی از زندگی روزمره بیشتر آشنا می‌شود. ماجراهای کتاب از زمانی که شهید دخانچی به جبهه اعزام شده و در عملیات بدر به درجه جانبازی نائل می‌شود، فضای متفاوتی به خود می‌گیرد. کتاب، در این بخش خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که با وجود آنکه درگیر تبعات جنگ است و با یک بحران مواجه می‌شود، اما می‌تواند با همدلی و ایمان، از حوادث گذر کند و شرایط را تغییر دهد.
بخشی از کتاب تب ناتمام:
«دیگر وقتش رسیده بود. چقدر باید صبر می‌کردم تا یکی پا پیش بگذارد. هفته سال مگر کم است؟! آن‌همه مدت منتظر مانده بودم و خبری نشده بود. آن‌همه سال گوش به زنگ مانده بودم و اتفاقی نیفتاده بود، ولی دیگر نمی‌خواستم دست روی دست بگذارم. تصمیمم را گرفته بودم؛ باید همه‌چیز را تمام می‌کردم. باید سراغ مردی می‌رفتم که از مدت‌ها پیش، فکر و ذهنم را مشغول کرده بود. سال ۷۹؛ دختری دیربستانی بودم و به روال



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
کتاب «تب ناتمام»، روایتی از زندگی شهید حسین دخانچی به روایت مادر، به اهتمام انتشارات حماسه یاران به روسی ترجمه شد.
کتاب «تب ناتمام»، نوشته زهرا حسینی مهرآبادی، از جمله آثار خواندنی در حوزه خاطرات دفاع مقدس است که به اهتمام انتشارات حماسه یاران به روسی ترجمه شد. این کتاب با نگاهی ویژه به فراز و فرودهای زندگی یک جانباز قطع نخاع گردنی می‌پردازد.
این اثر داستان زندگی شهید حسین دخانچی را به روایت خانم شهلا منزوی، مادر شهید روایت می‌کند. داستان کتاب، از ماجرای تولد شهید آغاز می‌شود و در ادامه، مخاطب با شخصیت شهید و مادرش

۱۲ ساعت سخت حاج قاسم در کربلای ۴



ممكن است طرح‌مان موفق نشود فوری بعد از یک شب سخت و مرگبار برگشتیم عقب. جرئت می‌خواست طرح عملیات سالانمان را بعد از این همه کار یکباره متوقف کنیم. بعد از این شکست به یگان‌هایی که در منطقه بودند، دستور عقب‌نشینی دادند. عملیات ساعت ۱۲ شب شروع شد و فردا ۱۲ ظهر عقب‌نشینی کردیم. هم‌ماش ۱۲ ساعت مدت این عملیات بود.
رزمندگان در کربلای ۴ بهترین خط شکنی را کردند. از گردان‌های ۲۰۰ نفری شاید ۷۰ نفر و حتی ۶۰ نفر غواص به ساحل برگشتند؛ ولی خط را شکستند. این کار معجزه بود . با همین چند ساعت عملیات عراق احساس خطر کرد. بعد از کربلای ۴ دیگر ندیدم کسی توی اردوگاه‌ها بخندد. بچه‌ها سر به زیر و نگران بودند. گاهی با خودشان حرف می‌زدند. می‌دیدم توی جبهه همه نگران‌اند. عراق هم حسابی تبلیغات می‌کرد. روحیه همه‌مان را به هم ریخته بود. بیشتر از این ناراحت بودیم که غواص‌های زیادی توی این عملیات شهید و مجروح شدند. بعضی‌هاشان را آب برد؛ اما به نتیجه نرسیدیم.
حالا خودم تعریفی نداشت ولی مجبور بودم روحیه بچه‌ها را برگردانم. بچه‌ها ویلان و سرگردان توی خیابان‌های آبادان و خرمشهر می‌گشتند و گنج بودند. مانده بودند برگردند اردوگاه لشکر یا همان جا بمانند. از همدیگر خجالت می‌کشیدند. انگار گناه کبیره کرده باشند. به صورت هم نگاه نمی‌کردند. همان روزهای اول دی ماه گفتیم نیروها و فرمانده گردان‌ها و واحدهای لشکر جمع شوند. قبل از جلسه، پشت خاکریز اردوگاه، قبل از دژبانی ماشین‌ها کنار جاده گذاشتم و روی خاکریز زانوی غم بغل گرفتیم و نشستیم. منتظر بودم بچه‌ها بیایند و جلسه را شروع کنیم. وقتی همه جمع شدند رفتم توی جلسه. بقیه هم کم و بیش آمدند. کسی حرفی نمی‌زد. یاد بچه‌هایی که از دست داده بودیم افتادم و دوباره گریه‌ام گرفت. بقیه هم با دیدن اشک‌های من به گریه افتادند. میرحسینی یک باره بلند شد و گفت: چیه همه به هم نگاه کنید. آماده‌اید اینجا چه کار؟ اگر آماده‌ایم تصمیم بگیریم زود باشی که برویم بی کارمان. بچه‌ها کم کم خودشان را جمع و جور کردند. میرحسینی ادامه داد: حالا این طور شده؛ ولی قرار نیست ساکت بمانیم ما از همین حالا آماده‌ایم. هر دژی که بخواد جلوی روی‌مان باشد.

که عابدینی به غواص زد ناراحت شدم. یواش طوری که غواص‌های دیگر نشنوند. به او گفتم مگر اینها برای من غواصی می‌کنند که نباید کم بیآورند؟ من کی هستم؟ اینها برای عملیات باید آماده باشند باید با خدا معامله کنند. با این حال برای این که به غواص‌ها روحیه داده باشم خندیدم. نیروهای ما در حد فاصل نهر «عریض» تا نهر «خین» کنار لشکرهای ۲۵ کربلای ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و تیپ ۲۱ امام رضا (ع) مستقر شده بودند. چهار گردان موج اول و دوم توی خرمشهر و گردان‌های موج سوم و چهارم در سنگرهای اجتماعی ۱۰ کیلومتری جاده خرمشهر اهواز آماده بودند.
دو محور برای حمله در نظر گرفته شد: محور اول را داده بودم یونس زنگی‌آبادی فرماندهی کند. توی این محور، آنها باید خط را می‌شکستند و جزیره ام الرصاص را گرفتند. محور دوم را داده بودم محمدرضا پودینه که ادامه عملیات را تا نزدیک ابوالخصیب ببرد. آماده شدیم. دیگر فقط منتظر فرمان حمله بودم. بچه‌ها با بفرستم خط را بشکنند. غواص‌ها نیمه شب سوم دی ۱۳۶۵ رفتند توی آب. اما انگار عراقی‌ها آماده بودند. یک باره بارانی از گلوله بر سرشان بارید. برعکس عملیات والفجر ۸ که عراق غافلگیر شد، عملیات کربلای ۴ از قبل لو رفته بود. عراقی‌ها هشیار و آماده منتظر ما بودند.
حمید شفیعی لب آب بین چولان‌ها یا بچه‌های غواص نشسته بود. داشتند کفش‌های غواصی را می‌پوشیدند. ساحل هم کم عرض بود. در اردونورد بین نهر خین و نهر عریض در جای کوچکی تعداد زیادی از افراد لشکرها داشتند وارد ساحل می‌شدند. عرض رودخانه هم در این نقطه چهارصد متر بود. تا بچه‌ها رفتند توی آب؛ یک مرتبه انفجار بزرگی شد و عراق همه آتش خود را روی ساحل ریخت. هوایماها هم منور ریختند و همه جا مثل روز روشن شد. لب خاکریز نشسته بودم و حمید به من زل زده بود. با نگاهش از من می‌پرسید چه باید بکنم. حداقل ده پانزده تا از بچه‌ها در این نقطه شهید شدند. جوی خون از میان چولان‌ها به طرف رودخانه راه افتاده بود.
عراق طرح ما را می‌دانست. می‌خواست درگیری را در ساحل خودمان شروع بکند و نگذارد نیرویی از ساحل ما به ساحل خودشان برسد. غواص‌ها را یکی یکی از توی کانال وارد آب کردیم. عراقی‌ها به طرفشان با تیر کالیبر

شلیک کردند. با دوربین‌های دید در شب آنها را می‌دیدند و روی سرشان آتش می‌ریختند اما غواص‌های ما مثل شیر به آب می‌زدند.
حمید شفیعی می‌گفت توی آب بچه‌ها یا فاطمه زهرا می‌گفتند و به خط می‌زدند. در همان اول کار توی ساحل خودمان آتش سنگین عراقی‌ها ستون‌های منظم غواص‌ها مان را به هم ریخت. توی آب شنا می‌کردند، زخمی می‌شدند؛ ولی جلوی می‌رفتند.
با فریاد الله‌اکبر و بدون مخفی کاری با عراقی‌ها درگیر شدند و رفتند روی ام الرصاص. خط‌های اول را عابدینی، علی محمدی و حمید شفیعی شکستند. اول و دوم‌شان معبری باز کردند. بعد از آن به چپ و راست باز شدند؛ اما آمادگی عراقی‌ها و تسلط جزیره ام البابی ۱ و ۲ بر جزیره ام الرصاص جلوی پیشروی‌شان را گرفت. واحدهای دیگر نتوانستند جزیره بوارین و بخش زیادی از جزیره ام الرصاص و ام البابی را بگیرند. برای همین نتوانستیم به خطی که شکسته بودیم مسلط شویم. اما نیروها موفق شدند با پیوستگی و الحاقی که در خط اول بین لشکر ۲۵ کربلای ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ما انجام دادند تا انتهای جاده کمربندی وسط ام الرصاص پیشروی کنند. با این حال عراقی‌ها نگذاشتند جلوتر برویم و درگیری شدت گرفت. پناهگاهی نداشتیم و بیشتر دوروبرمان نخلستان بود. عراقی‌ها توی جزیره‌ام الرصاص منتظرمان بودند. فشار زیادی آوردند. جزیره را خالی نکردیم؛ ولی اگر می‌خواستیم آنجا بمانیم باید همه گردانهای‌مان را از دست می‌دادیم. نیروی زیادی داشتیم؛ ولی چهار فرمانده دور هم نشستیم تصمیم گرفتیم ام‌الرصاص را تخلیه کنیم. این فشار عراق ترس از آنها نبود؛ یک تاکتیک نظامی بود. وقتی اوضاع را دیدیم به این نتیجه رسیدیم باید تاکتیک‌مان را عوض کنیم. می‌توانستیم مثل جزیره مجنون با خونمان ام‌الرصاص را حفظ کنیم اما لازم نبود.
آن قولی که به ملت و امام دادیم این نبود که برویم این جزیره را تصرف کنیم؛ قول داده بودیم پایان جنگ را در این عملیات مشخص کنیم. لورفتن این عملیات روی محورهای دیگر هم تأثیر گذاشت. فرمانده‌های قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا برای این که تلفات بیشتری ندهیم دستور دادند زود منطقه عملیاتی را تخلیه کنیم. طرح گسترده‌ای داشتیم اما وقتی زیر آن همه گلوله وارد جزیره ام‌الرصاص شدیم دیدیم

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
فقط منتظر فرمان حمله بودم بچه‌ها را بفرستم خط را بشکنند. غواص‌ها نیمه شب سوم دی ۱۳۶۵ رفتند توی آب. اما انگار عراقی‌ها آماده بودند. یک باره بارانی از گلوله بر سرشان بارید.
در بخشی از خاطرات سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی آمده است: هدف عملیاتی که قرار بود انجام بدهیم، گرفتن بصره بود. نیروهای ما اطراف جزیره مینو تا شلمچه از اروند می‌گذشتند و هدف‌های اولیه را می‌گرفتند. بعد در قدم دوم، شهر کوچک «ابوالخصیب» را می‌گرفتند و به طرف بصره می‌رفتند. برای این عملیات چهار قرارگاه «نجف»، «قدس»، «کربلا» و «نوح» زیر نظر قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیا» وارد میدان می‌شدند.
لشکر ما هم با لشکرهای «۲۵ کربلا» و «۱۰ سیدالشهدا» زیر نظر قرارگاه «قدس» بود. غواص‌های لشکر باید خط را می‌شکستند و هدف‌های اولیه را می‌گرفتند. بعد در قدم دوم، بقیه نیروها با قایق‌های تندرو می‌آمدند آن سوی اروند و عملیات را ادامه می‌دادند.
خط حد لشکر ما درست رویه روی خرمشهر بود. نیروهای ما اول باید جزیره «ام‌الرصاص» را می‌گرفتند؛ بعد از تنگه آبی جزیره بوارین - ام الرصاص می‌رفتند جزیره ام‌البابی. دو جزیره کوچک «ام البابی ۱ و ۲» پشت جزیره ام‌الرصاص بودند. لشکر ما باید «ام‌البابی ۱» را می‌گرفت و لشکر ۲۵ کربلا «ام البابی ۲» را. نیروهای غواص توی این عملیات نقش کلیدی داشتند. برای همین دائم یک چشمم به آموزش گردان‌های غواص و رفع و رجوع مشکلات و نیازمندی‌هایشان بود و چشم دیگرم به باقی کارها.
چند روز قبل از عملیات رفتم بهمنشیر ببینم بچه‌های غواص چقدر آماده شده‌اند. قرار شد یکی از آنها هرچه تا آن روز یاد گرفته بود به ما نشان بدهد. محمود امینی فرمانده گروهان از عباس قطب‌الدینی خواست برود توی آب. لباس غواصی پوشید تجهیزاتش را برداشت. من و علی عابدینی فرمانده گردان ۴۱۰ ایستاده بودیم علی زد پشت عباس و گفت مواظب باش کم نیآوری.
جواب داد: ان شاءالله.
رفت زیر آب و مسافت زیادی را رفت و برگشت. وقتی بیرون آمد برایش سر تکان دادم. به علی گفتم اگر همه بچه‌های همین قدر آماده باشند عالی است. از حرفی

گفتگو با یک روانشناس درباره‌ی موسیقی و تأثیر آن بر انسان؛

چگونه نغمه‌ها، روان ما را درمان می‌کنند!

و احساساتی که در آن ایجاد می‌شود، توجه کنند. همچنین، امتحان کردن سبک‌های مختلف موسیقی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا بفهمند کدام نوع موسیقی بیشترین تأثیر را بر آن‌ها دارد.

در نهایت، آیا نکته خاصی هست که بخواهید به خوانندگان بگویید؟

– من همیشه به بیماران و مراجعین خود توصیه می‌کنم که موسیقی را بخشی از زندگی روزمره خود قرار دهند. حتی اگر هیچ تجربه‌ای در نوازندگی یا خوانندگی ندارند، گوش دادن به موسیقی می‌تواند یک تجربه مثبت و درمانی باشد.

همچنین، موسیقی می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی میان افراد عمل کند و احساسات مشترک را تقویت نماید. به یاد داشته باشید که موسیقی نه تنها یک هنر است، بلکه ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی ماست.

موسیقی، با تمامی زیبایی‌ها و قدرتش، می‌تواند به عنوان یک درمان مؤثر در زندگی روزمره ما عمل کند. چه در لحظات شادی و چه در زمان‌های سخت، نغمه‌ها می‌توانند ما را همراهی کنند و به ما در درک بهتر احساساتمان کمک نمایند.

در دنیایی که پر از چالش‌ها و فشارهای روزمره است، بیابید یاد بگیریم که چگونه می‌توانیم از این هنر زیبا بهره ببریم و به آرامش و سلامتی روانی دست یابیم. موسیقی تنها یک هنر نیست، بلکه ابزاری قدرتمند برای درک و بهبود روح و روان انسان است.

با شناخت بیشتر از این هنر زیبا و تأثیرگذار، می‌توانیم به زندگی خود رنگ و بویی تازه ببخشیم.

– بله، موسیقی برای تمامی گروه‌های سنی مفید است. در کودکان، موسیقی می‌تواند به رشد عاطفی و اجتماعی کمک کند و مهارت‌های ارتباطی آن‌ها را تقویت نماید. برای سالمندان، موسیقی می‌تواند به یادآوری خاطرات و تقویت ارتباطات اجتماعی کمک کند، به‌ویژه در شرایطی که افراد به تنهایی زندگی می‌کنند یا از اختلالات شناختی رنج می‌برند.

آیا موسیقی درمانی در زمینه بالینی نیز کاربرد دارد؟

– بله، موسیقی درمانی به‌طور گسترده‌ای در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، در بیمارستان‌ها، موسیقی می‌تواند به کاهش درد و اضطراب بیماران قبل و بعد از جراحی کمک کند. تحقیقات نشان داده‌اند که بیماران که به موسیقی گوش می‌دهند، معمولاً نیاز کمتری به داروهای مسکن دارند و تجربه بهتری از فرآیند درمان دارند.

چه نوع موسیقی‌هایی برای درمان مناسب‌تر هستند؟ آیا سبک خاصی وجود دارد؟

– این موضوع به سلیقه فرد بستگی دارد. به‌طور کلی، موسیقی‌های آرام، کلاسیک یا نغمه‌های طبیعت می‌توانند در کاهش استرس و اضطراب مؤثر باشند. اما هر فرد ممکن است به سبک‌های متفاوتی پاسخ دهد؛ بنابراین، مهم است که افراد نوع موسیقی‌ای را که به آن‌ها احساس خوبی می‌دهد، شناسایی کنند.

چه توصیه‌ای برای افرادی که می‌خواهند از موسیقی به عنوان ابزاری برای بهبود حال خود استفاده کنند، دارید؟

– من به همه توصیه می‌کنم که زمان‌هایی را به گوش دادن به موسیقی اختصاص دهند و به نغمه‌ها

درمان استفاده کرد؟

– موسیقی درمانی یک رویکرد درمانی است که در آن از موسیقی برای بهبود وضعیت روانی و عاطفی بیماران استفاده می‌شود. این روش شامل گوش دادن به موسیقی، نوازندگی، و حتی نوشتن آهنگ است. در جلسات درمانی، بیماران می‌توانند با احساسات خود ارتباط برقرار کنند و این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا به بهبودی دست یابند.

آیا همه افراد به یک نوع موسیقی پاسخ مشابهی می‌دهند؟

– نه، پاسخ به موسیقی بسیار فردی است و تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله فرهنگ، تجربیات شخصی و سلیقه موسیقی قرار دارد. به همین دلیل، در موسیقی درمانی، مهم است که نوع موسیقی متناسب با هر بیمار انتخاب شود.

چگونه موسیقی می‌تواند به درمان اختلالاتی مانند افسردگی و اضطراب کمک کند؟

– موسیقی به‌عنوان یک ابزار درمانی می‌تواند به افراد کمک کند تا احساسات خود را بهتر بشناسند و بیان کنند. برای مثال، در افرادی که از افسردگی رنج می‌برند، گوش دادن به آهنگ‌های شاد یا ملودی‌های آرامش‌بخش می‌تواند سطح انرژی آن‌ها را افزایش دهد و حس امید را در آن‌ها تقویت کند. همچنین، ایجاد یا نوشتن موسیقی می‌تواند به افراد اجازه دهد تا احساسات منفی خود را آزاد کنند و به این ترتیب به فرآیند درمان خود کمک کنند.

آیا می‌توان از موسیقی برای گروه‌های خاص، مانند کودکان یا سالمندان، استفاده کرد؟



تأثیر قرار می‌دهد. نغمه‌ها و ریتم‌ها می‌توانند ما را شاد، غمگین، آرام یا هیجان‌زده کنند. این تأثیرات ناشی از ارتباط عمیق بین موسیقی و مغز است. هنگامی که ما به موسیقی گوش می‌دهیم، بخش‌هایی از مغز ما که مسئول احساسات هستند، فعال می‌شوند.

آیا می‌توانید مثال‌هایی از تأثیرات مثبت موسیقی بر روان انسان ارائه دهید؟

پاسخ: بله، تحقیقات نشان داده‌اند که موسیقی می‌تواند به کاهش استرس، اضطراب و افسردگی کمک کند. برای مثال، گوش دادن به موسیقی نرم و ملایم می‌تواند سطح هورمون‌های استرس را کاهش دهد و حس آرامش را افزایش دهد. همچنین، در درمان برخی اختلالات روانی موسیقی درمانی می‌تواند به بیماران کمک کند تا احساسات خود را بهتر بیان کنند.

چگونه می‌توان از موسیقی به عنوان ابزاری برای

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر- رقیه جمالی موسیقی، زبان جهانی احساسات است. از زمان‌های دور، انسان‌ها با نغمه‌ها و ملودی‌ها ارتباط برقرار کرده‌اند؛ چه در جشن‌ها و شادی‌ها، چه در غم‌ها و اندوه‌ها. هر نت و آکوردی داستانی را روایت می‌کند و می‌تواند دنیایی از احساسات را در ما بیدار کند. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا یک آهنگ خاص می‌تواند شما را به یاد یک لحظه خاص در زندگی‌تان بیندازد؟ یا چگونه ملودی‌های شاد می‌توانند حال و هوای روزتان را تغییر دهند؟ با خانم دکتر سارا یزدی، روانشناس و متخصص در زمینه‌ی موسیقی درمانی، به بررسی تأثیرات عمیق موسیقی بر روان انسان و نقش آن در درمان بیماری‌های روحی گفتگویی ترتیب داده‌ایم:

خانم دکتر یزدی، ابتدا بفرمایید که موسیقی چه تأثیری بر احساسات انسان دارد؟

– موسیقی به طور طبیعی احساسات ما را تحت

شناسه آگهی: ۲۰۷۷۱۶۵

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۵۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۱۸۱۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیبستر تصرفات مالکانه پلاعارض متقاضی خانم/ آقای علی بهاری ملکی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۶۱۳ صادره از شیبستر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۱۸.۵۷ متر مربع از پلاک ۲۴- اصلی واقع در امیرزکریا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۶۶۲

شماره: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳/۲۲۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت اسناد و املاک ایلخچی تصرفات مالکانه و پلا معارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مهلت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱
یکشنبه

بهرام قاصدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ایلخچی

شناسه آگهی: ۲۰۷۷۱۴۹

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۵۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۳۲۱۷۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیبستر تصرفات مالکانه پلاعارض متقاضی خانم/ آقای سعید امیری علی شاه فرزند مصطفی بشماره شناسنامه ۲۹۶ صادره از در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۵۴۱

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۹۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

واقع در کلاشک بخش ۲۱ تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شیبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۷۱۵۶

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۵۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۰۸۰۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیبستر تصرفات مالکانه پلاعارض متقاضی خانم/ آقای احمد رحیمی ملکی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۶۰۱ صادره از شیبستر در ششدانگ یک قطعه زمین

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۵۳۲

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۸۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

۱۷ اصلی واقع در بخش ۲۱ تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شیبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۵۰۴

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۸۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۳۸۹۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیبستر تصرفات مالکانه پلاعارض متقاضی خانم/ آقای جلال عشرت‌خواه فرزند رحیم بشماره شناسنامه ۷۸ صادره از تبریز در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۵۴.۰۹ متر مربع در قسمتی از پلاک ۳- اصلی بخش ۲۱ تبریز واقع

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

شناسه آگهی: ۲۰۷۹۵۲۵

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۶۲۹۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

اصولی واقع در زین آباد بخش ۲۱ تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شیبستر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شیبستر

واکاوی بحران مقبولیت کالای ایرانی

از چالش کیفیت تا گسست فرهنگی



خانوار در شرایط تورمی کمک کند.

چینی با بسته‌بندی‌های فریبنده هستند که هیچ برتری کیفی نسبت به کالای ایرانی ندارند.

راهکارهای پیشنهادی برای خروج از بحران

برای تغییر پارادایم از «کالای خارجی‌پسندی» به «افتخار ملی»، برداشتن گام‌هایی ضروری است. از جمله: شفافیت کیفی و نظام رتبه‌بندی؛ ایجاد مراکز مستقل برای رتبه‌بندی کیفیت کالاهای ایرانی تا سره از ناسره جدا شود و اعتماد به بازار بازگردد.

الزام قانونی برای مسئولان: تصویب قوانینی که استفاده از کالای غیرایرانی را در تمامی نهادهای دولتی و حاکمیتی (در صورت وجود مشابه داخلی) ممنوع کند. «کت ایرانی» بر تن نماینده مجلس، موثرتر از صدها تیزر تبلیغاتی است. تسهیلات برای تولیدکنندگان کیفی: دولت باید مشوق‌های مالیاتی را نه به «تولید» صرف، بلکه به «ارتقای کیفیت و صادرات» اختصاص دهد.

پیوست فرهنگی رسانه‌ای: صدا و سیما و رسانه‌ها باید از نمایش سبک زندگی مبتنی بر برندهای خارجی در سریال‌ها و برنامه‌ها خودداری کرده و هویت «ساخت ایران» را بازسازی کنند.

در پایان باید گفت: حمایت از کالای ایرانی نه یک انتخاب اخلاقی، بلکه یک استراتژی بقا در دنیای امروز است. اگر تولیدکننده داخلی «کیفیت» را نه یک گزینه، بلکه یک الزام بدانند و مصرف‌کننده ایرانی «حمایت» را نه یک لطف، بلکه وظیفه ملی تلقی کند، چرخه اقتصاد به حرکت در خواهد آمد. زمان آن رسیده که چماق بی‌کیفیتی را با بازوی نظارت و حمایت زمین بگذاریم و به جای تقاضا به برجسب‌های بیگانه، به هویت تولیدی خود بازگردیم.

طرح نو؛ شیوا صفری

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و افزایش تقاضای مصرف‌کننده در بازار (از خودرو و لوازم خانگی تا پوشاک)، بار دیگر بحث «حمایت از تولید داخلی» به صدر اخبار باز می‌گردد. اما فراتر از شعارهای فصلی، حمایت از کارگر و سرمایه ایرانی یک ضرورت ساختاری است. خرید یک کالای ایرانی تنها یک تراکنش مالی نیست، بلکه رایی است که مصرف‌کننده به استمرار اشتغال و پویایی اقتصاد ملی می‌دهد. با این حال، چرا همچنان دیواری از بی‌اعتمادی میان تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود دارد؟ این گزارش به بررسی ریشه‌های این عدم تمایل می‌پردازد.

«پرستیژ» در برابر «عرق ملی»

یکی از جدی‌ترین موانع رشد تولید ملی، نه در خطوط تولید، بلکه در ذهنیت مصرف‌کننده و ویتترین فروشنده نهفته است. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از فروشندگان از نصب برجسب «کالای ایرانی» پرهیز می‌کنند. این موضوع نشان‌دهنده یک «انگ اجتماعی» کاذب است که در آن خرید کالای داخلی با مفهوم «عدم توانایی مالی» یا «بی‌سلیقگی» گره خورده است.

این نوع تمایل فروشندگان به الصاق مارک‌های خارجی بر محصولات داخلی، نشان‌دهنده یک گسست فرهنگی است. وقتی تولیدکننده می‌بیند محصولش با نام «ترک» یا «ایتالیایی» بهتر فروش می‌رود، انگیزه‌ای برای هویت‌سازی ملی نخواهد داشت.

از طرفی دیگر بخشی از جامعه، کالا را نه برای کارکرد، بلکه برای «نمایش پایگاه اجتماعی» خریداری می‌کند. در این ساختار ذهنی، برجسب‌های خارجی نقش «سرمایه نمادین» را بازی می‌کنند، حتی اگر کیفیت واقعی آن‌ها از مشابه داخلی کمتر باشد.

همواره بزرگ‌ترین بهانه و در عین حال واقعی‌ترین نقد مصرف‌کنندگان به کالای ایرانی بوده است. اما در اینجا یک «چرخه معیوب» نیز روبرو هستیم.

منطق هزینه-فایده در ارتقای کیفیت: منتقدان، کیفیت پایین را مانند چماقی بر سر تولیدکننده می‌کوبند. اما واقعیت اقتصادی حکم می‌کند که ارتقای کیفیت مستلزم تحقیق و توسعه و نوسازی ماشین‌آلات است. و این دو مورد تنها زمانی محقق می‌شوند که تولیدکننده «تقدیرنگی» و «بازار تضمین شده» داشته باشد. وقتی جامعه پیشاپیش بازار را بایکوت می‌کند، تولیدکننده در تله «تولید ارزان و بی‌کیفیت» برای بقا می‌افتد.

تعمیم ناروا و قضاوت‌های کلی: ساختار بازار ایران دچار «تعمیم منفی» شده است. قصور یک خودروساز یا تولیدکننده لوازم خانگی به کل بدنه صنعت (از جمله نساجی یا صنایع غذایی که در سطح جهانی رقابت‌پذیرند) تعمیم داده می‌شود. این در حالی است که بسیاری از اجناس خارجی موجود در بازار، محصولات درجه سه

«رجب»، فصل بازگشت!



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

خارج می‌کند و آن را در قلمرو اسرار الهی قرار می‌دهد.

تولدها و بشت‌ها

رجب، ماه تولدهاست. ولادت امام علی(ع) در سیزدهم این ماه، گویی نور علوی را بر پهنه‌ی تاریخ می‌تاباند. و سپس، در بیست‌وهفتم، مبعث پیامبر(ص) آن لحظه‌ی شکوهمندی که جبرئیل در غار حرا نازل شد و رسالت آسمانی آغاز گشت. رجب، نه فقط ماه عبادت که ماه تجدید عهد با آن رسالت و آن ولایت است. ماهی که در آن، زمین دوباره با آسمان وصل شد و بشریت، بار دیگر مسیر هدایت را یافت.

رجب در زندگی امروز

امروز، که زمان به کالایی کمبابت تبدیل شده، ماه رجب مکنی اجباری پیش می‌نهد. دعوت می‌کند تا از چرخه‌ی روزمرگی بیرون آیم و لحظه‌ای درنگ کنیم. برای استغفار، برای مناجات، برای خواندن یک سوره‌ی «قل هو... احد» یا نیتی خالص که در روایات، ثواب ده‌هزار بار خواندن آن در این ماه، وعده داده شده است.

این ماه به ما یادآوری می‌کند که انسان، موجودی یک‌بعدی و مادی نیست. او بال‌هایی از نور دارد که در ماه‌هایی چون رجب، مجال پرواز می‌یابند. کافی است اراده کند، سر را بالا گیرد و آن ریسمان الهی را بگیرد.

رجب، فقط یک ماه نیست؛ یک احساس است. احساس نزدیکی به آسمان، احساس سبکی پس از استغفار، احساس گرمای امیدی که از دل دعاها می‌سوزد. رجب سحرگامان می‌جوشد. در هیاهوی جهان، رجب پناهگاهی است آرام، که در آن می‌توان نفسی تازه کرد و دوباره آغاز نمود.

بباید در این ماه، ریسمان رجب را بگیریم. شاید این بار، چنان بالا برویم که دیگر پایین نیایم.

رجب، این واژه که از ریشه «رَجِبَ» به معنای «بزرگداشتن» و «تعظیم» است، تنها یک نام بر تقویم قمری نیست؛ یک احضار است. فراخوانی از سوی آسمان برای زمینیان تا یک‌بار دیگر سر را بلند کنند و به افق‌های فراموش‌شده بنگرند. ماهی که در روایات از آن به «ماه‌الله» یاد می‌شود، نه یک تقسیم‌بندی زمانی، که یک فضیلت وجودی است. گویی خداوند در این سی روز، نردبانی از رحمت را تا دل آسمان می‌گسترده و فریاد می‌زند: بیایید؛ اینک زمان صعود است.

در حدیث قدسی آمده: ماه رجب را ریسمانی بین خودم و بندگانم مقرر کردم؛ هر که به آن چنگ زند، به من می‌رسد. این تصویر، ماه رجب را از حصار یک ماه تقویمی خارج می‌کند و آن را به پلی زنده تبدیل می‌کند. پلی که یک سوش خاک تیره‌ی غفلت و سوی دیگرش آسمان روشن قرب است.

نحوای سحرگامان

فضیلت ماه رجب در روایات، با اعداد و ارقام مقدس گره خورده است: خواندن هفتاد بار «اَسْتَغْفِرُ...» و «تَوْبُ إِلَیْهِ» در صبح و شام، ذکر «لا إله إلا الله...» و «صلوات» که چون تسبیح‌های فرشتگان، فضای ماه را از نجواهای آسمانی آکنده می‌کند. اما این اعداد، تنها نشانه‌ای هستند از یک حقیقت بیکران، در این ماه، درهای استغفار به روی توبه‌کاران گشوده‌تر است. دعاها بی‌پاسخ نمی‌ماند و اشک‌های نیمه‌شب، چون مرواریدهایی درخشان در دفتر اعمال می‌درخشند.

سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب موسوم به «ایام‌البیض» اوج این فضیلت‌هاست. روزه در این سه روز، چنان ثوابی دارد که پیامبر اکرم(ص) فرمود: پادشاه آن، چیزی است که نه چشمی دیده و نه گوش شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. این بیان، عظمت رجب را از حد توصیف

گزارش

نگاهی پژوهشی به ریشه‌های پنهان یک رفتار پرخطر در نوجوانی

رفتارهای خودآسیب‌رسان نوجوانان؛ نقش خانواده و اعتیاد به اینترنت

طرح نو؛ گروه گزارش

محققان در پژوهشی علمی به بررسی عوامل خانوادگی و رفتاری مؤثر بر سلامت روان نوجوانان پرداخته‌اند و ارتباط میان شیوه‌های تربیتی، استفاده افراطی از اینترنت و بروز برخی رفتارهای پرخطر در این دوره حساس زندگی را روشن‌تر کرده‌اند.

نوجوانی یکی از حساس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین دوره‌های زندگی انسان است؛ دوره‌ای که با تغییرات سریع جسمی، روانی، هیجانی و اجتماعی همراه می‌شود. در این بازه، نوجوان به تدریج از کودکی فاصله می‌گیرد و در مسیر شکل‌دادن به هویت فردی و اجتماعی خود قرار می‌گیرد. افزایش نیاز به استقلال، گرایش به همسالان و فاصله‌گرفتن نسبی از والدین، از ویژگی‌های بارز این مرحله است. هم‌زمان، نوجوانان در معرض فشارهای مختلفی از سوی خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی قرار دارند که اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات روانی و رفتاری شود. یکی از نگرانی‌های جدی در این دوره، افزایش رفتارهای پرخطری مانند خودآسیب‌رسانی است؛ رفتاری که به واردکردن عمدی آسیب به بدن بدون قصد خودکشی اشاره دارد و می‌تواند پیامدهای جدی جسمی و روانی به‌دنبال داشته باشد.

اهمیت پرداختن به موضوع خودآسیب‌رسانی در نوجوانان از آنجا ناشی می‌شود که شیوع این رفتار در میان این گروه سنی قابل توجه گزارش شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند درصد قابل توجهی از نوجوانان دست‌کم یک‌بار چنین تجربه‌ای را داشته‌اند و این موضوع می‌تواند خطر بروز مشکلات شدیدتر، از جمله افکار یا اقدام به خودکشی،



را در سال‌های بعد افزایش دهد. خودآسیب‌رسانی پدیده‌ای تک‌عاملی نیست و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی شکل می‌گیرد. در میان این عوامل، نقش خانواده

و به‌ویژه رفتار والدین اهمیت ویژه‌ای دارد. تنبیه شدید، نظارت ناکافی، نبود رابطه عاطفی امن و بدررفتاری‌های کلامی یا جسمی می‌تواند سلامت روان نوجوان را به‌طور جدی تهدید کند. در کنار این مسائل، گسترش استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، الگوهای جدیدی از رفتارهای اجتنابی را در نوجوانان ایجاد کرده که نیازمند بررسی

یک عامل واسطه، اثرات منفی تجربه‌های خانوادگی را تشدیدکنند.

در این تحقیق، ۴۱۶ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهر کرج مشارکت داشته‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از این افراد، پرسشنامه‌های استاندارد درباره خودآسیب‌رسانی عمدی، اعتیاد به اینترنت و بدررفتاری والدین مورد استفاده قرار گرفت. پژوهشگران سپس داده‌ها را با نرم‌افزارهای آماری تحلیل کردند تا روابط میان متغیرها به‌صورت علمی مشخص شود.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که هم بدررفتاری والدین و هم اعتیاد به اینترنت، به‌طور مستقیم با افزایش رفتارهای خودآسیب‌رسان در نوجوانان ارتباط دارند. به‌بیان ساده، هرچه تجربه‌های منفی نوجوان از رفتار والدین بیشتر باشد، احتمال بروز این نوع رفتارها نیز افزایش می‌یابد. همچنین مشخص شد نوجوانانی که استفاده افراطی از اینترنت دارند، بیشتر در معرض خودآسیب‌رسانی قرار می‌گیرند. این نتایج نشان می‌دهند اینترنت، زمانی که به ابزاری برای فرار از فشارهای روانی تبدیل شود، می‌تواند نقش منفی در سلامت روان ایفا کند.

پژوهشگران به یک نکته کلیدی نیز اشاره کرده‌اند: اعتیاد به اینترنت نقش واسطه‌ای میان بدررفتاری والدین و خودآسیب‌رسانی نوجوانان دارد. به این معنا که بدررفتاری والدین نه‌تنها به‌طور مستقیم، بلکه از طریق افزایش گرایش نوجوان به استفاده افراطی از اینترنت، می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای خودآسیب‌رسان شود. بر این اساس، توجه هم‌زمان به روابط خانوادگی و نحوه استفاده نوجوانان از فضای مجازی، برای پیشگیری از این رفتارها ضروری

است.

بر اساس اطلاعات تکمیلی این مطالعه، بسیاری از نوجوانانی که بدررفتاری والدین را تجربه کرده‌اند، برای کنارآمدن با احساسات منفی، اضطراب و تنهایی به راهبردهای اجتنابی روی می‌آورند. اینترنت در این میان، به‌دلیل دسترسی آسان و ایجاد احساس موقت آرامش یا تعلق، می‌تواند به پناهگاهی تبدیل شود که در بلندمدت آسیب‌زا است. این نوجوانان ممکن است در دنیای مجازی به‌دنبال حمایتی باشند که در محیط خانواده دریافت نکرده‌اند، اما استفاده افراطی از اینترنت به‌تدریج توانایی آن‌ها را در تنظیم هیجان و حل مسئله کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، پژوهش بر اهمیت آموزش والدین تأکید می‌کند. بهبود شیوه‌های فرزندپروری، افزایش آگاهی درباره اثرات بدررفتاری و آموزش استفاده سالم از فضای مجازی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش رفتارهای خودآسیب‌رسان داشته باشد.

پژوهشگران البته یادآور شده‌اند که اگرچه نتایج این مطالعه قابل توجه است، اما به‌دلیل محدودبودن جامعه آماری به دانش‌آموزان یک شهر، باید در تعمیم آن به سایر گروه‌ها با احتیاط عمل کرد.

گفتنی است این نتایج علمی پژوهشی در «مجله مدیریت ارتقای سلامت» که وابسته به انجمن علمی پرستاری ایران است، منتشر شده و بر نقش مهم خانواده و فضای مجازی در سلامت روان نوجوانان تأکید دارند؛ موضوعی که توجه سیاست‌گذاران آموزشی، مشاوران و والدین را بیش از پیش می‌طلبد. / ایسنا

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود
مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینوگرافی و چاپ: شاخه سبز

یادداشت

میانه؛ گره‌گاه تاریخ کهن و فرهنگ زنده‌ی آذربایجان شرقی

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر
میانه شهری است که گذشته و حال را در نقطه‌ای از جغرافیا و تاریخ آذربایجان شرقی به هم گره می‌زند؛ شهری که راه در آن فقط مسیر نیست، بلکه روایت است. روایت عبور کاروان‌ها، سکونت مردمان و شکل‌گیری هویتی که از دل تاریخ برآمده و تا امروز امتداد یافته است. میانه ن‌تنها گذرگاهی ارتباطی، بلکه حامل بخشی مهم از حافظه تاریخی و فرهنگی شمال‌غرب ایران به‌شمار می‌آید.
میانه در جنوب‌شرقی استان آذربایجان شرقی، در شاهراه ارتباطی تبریز، اردبیل، زنجان و نواحی مرکزی ایران واقع شده است. همین جایگاه جغرافیایی سبب شده این شهر از گذشته‌های دور تا امروز، نقشی کلیدی در شبکه حمل‌ونقل، تبادل انسانی و جریان‌های اقتصادی منطقه ایفا کند. میانه همواره محل تلاقی مسیرها بوده؛ جایی که راه‌ها به هم می‌رسند و زندگی شکل می‌گیرد.
پیشینه میانه به اعماق تاریخ بازمی‌گردد. شواهد باستان‌شناسی، تپه‌های تاریخی و آثار برجای‌مانده، از حضور پیوسته انسان در این ناحیه حکایت دارند. این شهر در دوره‌های مختلف، به‌ویژه در عصر سلجوقی و پس از آن، به‌عنوان گذرگاه مهم کاروانی و نقطه‌ای راهبردی در تحولات اقتصادی، نظامی و فرهنگی شناخته می‌شده است. همین نقش تاریخی، هویتی استوار و ریشه‌دار به میانه بخشیده که هنوز در بافت شهر و فرهنگ مردم آن زنده است.

میانه از نظر میراث تاریخی، یکی از شهرهای شاخص منطقه به‌شمار می‌آید.

- پل تاریخی دختر (قیز کورپوسو) متعلق به دوره سلجوقی، برجسته‌ترین نماد تاریخی میانه و شاهکاری از معماری مهندسی راه در ایران کهن است؛ پلی که قرن‌ها بار عبور و تاریخ را بر دوش کشیده است.

- قلعه دختر میانه بر فراز ارتفاعات اطراف

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام باقر (ع) :
هر کس ظاهرش بهتر از باطنش باشد، ترازوی اعمالش سبک باشد

شنبه ۶ دی ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۷۱



آغاز عملیات تعریض پل خلبان تبریز و امیدواری به باز شدن گره ترافیکی روزانه

طرح‌نو؛ گروه شهری
معاون فنی و عمرانی شهردار تبریز از آغاز عملیات ساخت پل قوسی بتنی بر روی رودخانه «آجی چای» به منظور تعریض پل «خلبان» و تسهیل تردد خودروها از میدان آذربایجان به سه راهی فرودگاه و «آناختون» خبر داد.

مهدی نیکبخت گفت: این پل به طول ۱۵۵ متر و عرض ۸/۱۱ متر در قالب هفت دهنه ۱۲.۵ و ۳۵ متری با استفاده از هشت پایه و عرشه بتنی اجرا می‌شود.

وی اعلام کرد: با احداث این پل، بخش قابل توجهی از گره ترافیکی موجود در مسیر میدان آذربایجان به سمت سه راهی فرودگاه، برطرف و دسترسی شهروندان به محور آناختون تسهیل می‌شود.

وی ادامه داد: این طرح به کارفرمای شهرداری تبریز توسط

تعریض پل خلبان به ویژه در مسیر رفت آن به سمت سه راهی فرودگاه و آناختون در سال‌های گذشته از جمله مطالبات عمومی شهروندان تبریزی بود که گاه در ایام آخر هفته و تعطیلات، ناگزیر از توقف یک ساعته در یک مسیر کمتر از یک دقیقه‌ای می‌شوند.

خوشبختانه شهرداری تبریز با درک این موضوع و در راستای عمل به وظایف خود با رویکرد تسهیل زندگی شهروندان و در راستای خدمت‌رسانی به مردم، تعریض پل خلبان در قالب ساخت یک دهنه پل تازه در مسیر رفت را برای جامه عمل پوشاندن به مطالبه‌ای عمومی ووجه همت خود قرار داده است.

گفته می‌شود این مسیر کوتاه، اما پرتردد روزانه شاهد رفت و آمد افزون بر ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو می‌باشد.

اجرای تعمیرات اساسی پل های مکانیزه مقابل کلینک شیخ الرئیس و آبرسان

دوباره راه اندازی می‌شود.

محمدی زمان تعمیرات اساسی این پل ها را به مدت یک هفته اعلام کرد و افزود: از شهروندانی که به کلینک شیخ الرئیس مراجعه می‌کنند، خواهشمندیم فعلا تا اتمام تعمیرات پل های مکانیزه، با احتیاط کامل از عرض مسیر تردد کنند.

وی، همچنین از تعمیرات دوره ای و منظم تمامی پل های عابرپاده سطح حوزه شهرداری منطقه ۲ نیز خبر داد و گفت: برای سهولت تردد و گذر بدون حادثه شهروندان از معابر شهری، پل های عابرپاده این منطقه بطور مرتب مرمت و بهسازی می‌شود.

طرح نو؛ گروه شهری

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲ از به اجرا درآمدن تعمیرات اساسی پل عابرگذر مکانیزه مقابل کلینک شیخ الرئیس و آبرسان خبر داد.

به گزارش امور ارتباطات، رضا محمدی با اعلام این خبر گفت: مراحل تعمیرات پل های مکانیزه واقع در مرکزی ترین مسیر شهر تبریز بطور شبانه روزی به اجرا درآمده و بعد از تعمیرات مکانیکی و الکترونیکی پل های مکانیزه مقابل کلینک شیخ الرئیس و آبرسان، این پل های عابرگذر برای رفاه حال شهروندان



گزارش

مدیریت بحران، وظیفه مشترک شهروندان و شهرداری تبریز

طرح نو؛ خاطره میزایی

ایران از جمله کشورهایی است که در زلزله خیز ترین منطقه جهان قرار دارد؛ بنا به اذعان علم زمین شناسی، ایران روی نوار لرزه خیزی آلپ هیمالایا قرار گرفته که حدود ۸ درصد از زلزله‌های دنیا و حدود ۱۷ درصد از زلزله‌های بزرگ دنیا روی این نوار رخ می‌دهند.

صدایی شبیه فرو ریختن ناگهانی، شبیه انفجاری خفه می‌آید و بعد از آن، همه چیز به لرز می‌نشیند و درهم می‌ریزد در و دیوار و هر آنچه بر روی زمین است؛ و اگر شدت آن از مقاومت بناها بیشتر باشد، در چند ثانیه شاهد ویرانی و از بین رفتن خانه‌ها و بناها و همه آبادانی‌ها می‌شویم. زلزله شاید طبیعی ترین بلایی است که طبیعت خواسته و ناخواسته به ما تحمیل کرده؛ گاه حتی در شدیدترین نوع خود که مرگ میلیونی انسانها و ویرانی شهرها را رقم زده است.

ایران از جمله کشورهایی است که در زلزله خیز ترین منطقه جهان قرار دارد؛ بنا به اذعان علم زمین شناسی، ایران روی نوار لرزه خیزی آلپ هیمالایا قرار گرفته که حدود ۸ درصد از زلزله‌های دنیا و حدود ۱۷ درصد از زلزله‌های بزرگ دنیا روی این نوار رخ می‌دهند. همین مورد به تنهایی کافی است تا بدانیم وضعیت ما عادی نیست و در معرض خطرات بزرگی هستیم اگر به نکات ایمنی و پیشگیری‌های ضروری توجه نکنیم.

یکی از مهمترین نکات ایمنی که در مناطق زلزله خیز باید در دستور کار قرار گیرد، احداث ساختمانهایی با مقاومت بالاست؛ خوشبختانه مهندسی نوین در این باره راهکارهای بسیاری ارائه کرده است که نتیجه آنها، احداث ساختمانهایی بسیار مقاوم در برابر لرزه‌های قوی است؛ جاده‌ها و مسیرهای ترددی نیز با تکیه بر همین یافته‌های علمی، حتی الامکان در جاهایی ایجاد می‌شوند که خاکی محکم و استوار داشته باشند.

با اینحال، همه موضوع به اینجا ختم نمی‌شود؛ بلکه عوامل دیگری همچون رفتارهای انسانی در کاهش خسارت‌های ناشی از زلزله بسیار موثر هستند. رفتارهای انسانی یعنی کارهایی که در زمان بروز بحران و بلایه‌های طبیعی از انسانها سر می‌زند. نکته مهم این که اگر این رفتارها صحیح



و مناسب با وضعیت پیش رو نباشد، چه بسا که زیان‌های به بار آمده به مراتب مضاف شود. قطع یقین چنین رفتارهایی به خودی خود شکل نمی‌گیرد؛ بلکه نیاز به آموزشها و تدابیر ویژه‌ای است تا بتوان انسانها را در چنین مواقعی مدیریت کرد.

گسل شمال تبریز که از بخشهای شمال خاوری، شمال و شمال باختری شهر تبریز عبور می‌نماید، به دلیل وقوع زمین لرزه‌های متعدد تاریخی و دوازده بار تخریب کامل شهر تبریز، از گسلهای شناخته شده زمین لرزه‌ای ایران است. شوربختانه رفتارهای انسانی بدور از اصول و قواعد زمین شناسی و مغایر با وضعیت شهر در قبال زلزله، بیشتر مناطق شهر را به بخشی آسیب پذیر تبدیل کرده است که از آن جمله می‌توان به ساخت و سازهای بی‌رویه در امتداد گسل تبریز در مناطق شمال، شمال غربی و شمال شرقی شهر اشاره کرد. همین امر به خودی خود کافی است تا دیگر اصول ایمنی در خصوص بروز این حادثه طبیعی، به شکلی جدی و اغراق آمیز در دستور کار قرار گیرد.

میراث چندین دهه را به یکباره عوض کرد و کاربری این مناطق را از مسکونی به کاربری‌های دیگری چون فضای سبز تغییر داد.

مدیر بحران شهرداری تبریز با تاکید بر اینکه در وضعیت کنونی، بهترین کار تقویت زیرساختهای مدیریت بحران است، اظهار می‌کند: اولویت این مجموعه ارتقای آگاهی شهروندان است؛ چراکه شهروندان پایه و اساس همه اقدامات شهردن و آگاهی آنان از اصول و قواعد این حوزه، می‌تواند تاثیرات شگرفی در نتیجه داشته باشد؛ حال این آگاهی می‌خواهد درباره ساخت و ساز باشد یا رعایت موارد ایمنی در زمان بروز حادثه!

حسن نژاد می‌افزاید: بر این اساس، مدیریت بحران شهرداری تبریز مهمترین اقدام خود را در خصوص فرهنگ سازی و تقویت دانسته‌های شهروندان متمرکز کرده است. توزیع بروشور و کتابچه به صورت مستمر با موضوع رفتارهای صحیح در هنگام حادثه و پس از آن، برگزاری دوره‌های آموزشی در فرهنگسراها و همچنین برپایی مانورهای بزرگ مانند مانور حضور و اسکان در سال ۱۴۰۱، مانور درمان و اسکان ده هزارنفری در سال ۱۴۰۲ و مانور تمام عیار زلزله در سال ۱۴۰۴ بخشی از برنامه‌های این مدیریت در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتقای دانش ایمنی شهروندان است.

وی شناسایی و تجهیز پارکهای محله‌ای و منطقه‌ای را نیز یکی دیگر از برنامه‌های اجرا شده این مدیریت عنوان و تصریح می‌کند: ۲۸۵ پارک شهر پس از انجام مطالعات مورد نیاز و انجام تدابیر لازم، به عنوان مکانهایی جهت اسکان اضطراری آماده‌سازی شده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به توسعه و تکمیل زیرساخت‌های پارک عباس میرزا به عنوان محل اسکان اضطراری بخشی از جمعیت جنوب تبریز و احداث اردوگاه اسکان اضطراری در شمال تبریز در پارک جنگلی ارم را بیان کرد.

حسن نژاد شناسایی بناهای ناایمن را یکی دیگر از برنامه‌های اجرایی این مدیریت میدانند و بیان می‌کند: پایش ساختمانهای ناایمن از برنامه‌های مهم این مدیریت است که از سال ۱۴۰۱ آغاز شده و طی آن، مالکین بناهایی که از لحاظ مقاومت و ایمنی، قابل تایید نیستند، هشدار می‌گیرند و باید نسبت به ایمن‌سازی و رفع معضلات مربوط به این